

شماره استاندارد بین‌المللی
۱۵۶۱-۹۴۰۰

آینه میراث

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های متن‌شناسی

دوره جدید، سال دوازدهم، ضمیمه ۳۷، سال ۱۳۹۳
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۵۱۴۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سهل‌نامه

(پژوهشی درباره سهل‌تستری، آراء و شاگردان وی)

سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)

صاحب امتیاز: مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول: اکبر ایرانی

سرمدبیر: مجدالدین کیوانی

معاون سردبیر: عسکر بهرامی

مدیر داخلی: حسناسادات بنی‌طباء

هیأت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی‌اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار کتابخانه ملی)، احد فرامرز قراملکی (استاد دانشگاه تهران)

مشاوران علمی

سید علی آل‌داود، پرویز اذکابی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، غلامرضا جمشیدنژاد اول، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسویس ریشار (فرانسه)، برت فراگتر (اتریش)، پاول لوفت (انگلستان)، احمد مهدوی دامغانی (آمریکا)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان یوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرایی: سهیلا یوسفی

لیتوگرافی و چاپ: نقره آبی

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، شماره ۱۱۸۲

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
ayenemiras@mirasmaktoob.ir
ayenemiras@gmail.com

بها: ۵۰۰۰۰ ریال

- نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ آزاد است.
- آراء مندرج در نوشته‌ها الزاماً مورد تأیید آئینه میراث نیست.
- نشریه در ویرایش مطالب آزاد است.
- پس از صفحه‌ارایی و ویرایش مقاله، امکان بازبینی و تغییر در نوشته وجود ندارد؛ بنابراین انتظار می‌رود نویسندگان شکلی از نوشته خود را به نشریه بفرستند که حاصل آخرین تأملات و واریسهای ایشان است.
- نشریه از باز پس فرستادن مطالبی که مناسب چاپ تشخیص داده نشود، معذور است.

از نویسندگان درخواست می‌شود به نکات زیر توجه فرمایند:

- مقاله حاصل پژوهشهای نویسنده آن باشد.
- مطلب ارسالی در نشریه دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله دارای پنج تا ده کلیدواژه و چکیده فارسی حاوی ۱۰۰ تا ۱۲۰ کلمه باشد.
- اصل مقاله از حدود ۳۰۰۰ تا ۷۰۰۰ واژه (۱۰ تا ۲۵ صفحه نشریه) باشد.
- بهتر است هر مقاله روی کاغذ A4 تایپ شود، یا با خط خوش و خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود.
- حتی‌الامکان نمودارها، جدولها و تصاویر به صورت آماده برای چاپ ارائه شوند.
- توضیحات به صورت پانویس بیاید.
- ارجاعات در درون متن در میان براتر آورده شوند. برای ارجاع ذکر این اطلاعات ضروری است:
- نام خانوادگی تاریخ: جلد / صفحه (مثلاً: ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۸/۱). اگر ارجاع بعدی به اثر دیگری از همان نویسنده باشد: همو تاریخ: جلد / صفحه (مثلاً: همو ۱۳۷۳: ۱۶). اگر ارجاع بعدی به همان کتاب باشد: همان: صفحه. اگر ارجاع بعدی دقیقاً همانند ارجاع قبلی باشد: همانجا.
- برای ارجاع به منابع قدیم، به جای تاریخ، نام کتاب ذکر می‌شود: اسم اشهر، نام کتاب، جلد، صفحه (مثلاً: فردوسی، شاهنامه، ج ۱، ص ۲۸).
- منابع مقاله پس از ارجاعات و توضیحات به صورت زیر مرتب شود:
- کتابهای جدید: نام خانوادگی، نام، تاریخ، نام کتاب، [مترجم]، شهر، ناشر.
- کتابهای قدیم: اسم اشهر، نام، نام کتاب، مصحح / مترجم، شهر، ناشر، تاریخ.
- مقاله: نام خانوادگی، نام، تاریخ، «عنوان مقاله»، نام کتاب / مجله، سال، شماره، ص ... - ...
- همراه هر مطلب ارسالی ضروری است نام و نام خانوادگی نویسنده، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، نشانی کامل پستی و الکترونیکی و شماره تلفن ارسال شود.
- لطفاً مقالات و مطالب را به نشانی دفتر مجله آئینه میراث و یا به نشانی پست الکترونیک آئینه میراث ayenemiras@gmail.com و ayenemiras@mirasmaktoob.ir ارسال فرمایید.

سہل نامہ

(پڑوشی دربارہ سہل تشری، آراء و شاکردان وی)

سید محمد طباطبائی بہجانی

(منصور)

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۷.....	مختصری از شرح حال سهل بن عبدالله تستری
۸.....	معرفی و نقد منابع
۹.....	رسائل صوفیانه
۲۳.....	ملحقات
۲۴.....	تذکره‌ها یا طبقات رجال صوفیه
۳۱.....	تواریخ و کتب جغرافیایی و آثار مربوط به آن
۳۵.....	پژوهشهای سهل‌شناسی از قدیم تا به امروز
۳۶.....	بحثی در اعتبار و اصالت کتاب المعارضه
۴۹.....	مدارک کتابشناختی
۵۲.....	آثار سهل
۵۹.....	اصحاب سهل
۶۳.....	کتابنامه

مقدمه

سهل بن عبدالله تستری بحق یکی از ارکان تصوف اسلامی است که در ردیف جنید، شبلی و بایزید بسطامی، تأثیر فراوانی بر تفکر صوفیانه داشته و کمتر کتاب و رساله عرفانی به فارسی یا عربی دیده می‌شود که وامدار سهل و آرای وی نباشد یا دست‌کم بخشی از سخنان او را نقل نکرده باشد؛ به عبارت دیگر، رد پای سهل در اغلب منابع صوفیه به‌وضوح دیده می‌شود. از میان معاصران نیز برخی مستشرقان و محققان پژوهشهایی درباره سهل و آرای وی داشته‌اند که معرفی و نقد آنها و منابع کهن صوفیه در باب سهل می‌تواند علاقه‌مندان را به کار آید. نگارنده در این مختصر نقدگونه‌ای از منابع مربوط به سهل — اعم از منابع کهن و تحقیقات معاصران — ارائه داده است. شایان ذکر اینکه این وجیزه تحقیقی است که سالها پیش به عنوان تکلیف درسی به استاد شفيعی کدکنی تقدیم شده است و چون خالی از فایده‌تی نبود به لطف دوست عزیز جناب دکتر ایرانی به چاپ سپرده و به خوانندگان گرامی نیاز شد.

مختصری از شرح حال سهل بن عبدالله تستری

ابومحمد، سهل بن عبدالله بن یونس بن عیسی بن عبدالله بن رفیع شوشتری (سلمی، طبقات، ج ۱، ص ۱۶۶؛ ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۱۹۰)، به سال ۲۰۰ و به قولی ۲۰۱ ق (الوافی بالوفیات ۱۶: ۱۸) در شوشتر (تستر) متولد شد. از خردسالی تحت تربیت و ارشاد دایی خویش، محمد بن سوار، با عوالم صوفیانه آشنا گشت و مبادی تصوف را از او آموخت (ابن خلکان، وفیات، ج ۲، ص ۴۲۹؛ یافعی، مرآة، ج ۲، ص ۲۴۹). از دیگر مشایخ سهل که در مصادر به نام او تصریح شده، حمزه بن حبیب عبادانی است

که سهل مدتی را به دنبال پاسخ سؤالش در عبادان نزد وی به ریاضت پرداخت. شعرانی نیز در *الطبقات الکبری* از عارفی به نام «خالد» به عنوان استاد سهل یاد می‌کند که هویتش معلوم نشد. او نیز، به شهادت اکثر منابع، ذوالنون مصری (م ۲۴۵ق) را دریافته و مدتی با او مصاحبت داشته است؛ ولی شاگردی وی نزد ذوالنون به خلاف تصریح برخی منابع (انصاری، *طبقات*، ص ۱۱۳، عطار، *تذکره*، ج ۱، ص ۲۲۷؛ جامی، *نفحات*، ص ۶۶) مشکوک است. او پس از سیر و سلوک و تحمل ریاضات شاقه به شوشتر برگشت و سالها بدون داعیه ارشاد و تربیت در آنجا سکونت داشت تا سال ۲۴۵ق که ذوالنون وفات کرد. گویند که علت امتناع سهل از ارشاد در این سالها نگهداشت حرمت شیخ بوده است (سراج، *اللمع*، ص ۲۴۰؛ عطار، *تذکره*، ج ۱، ص ۲۳۰). وی از این سال به بعد، در شوشتر بساط ارشاد گستراند تا اینکه به سبب مخالفت و آزار دشمنان از زادگاهش به بصره کوچید (سراج، *اللمع*، ص ۴۹۹؛ روزبهان، *شرح شطحیات*، ص ۳۲؛ عطار، *تذکره*، ج ۱، ص ۲۹۹) و در آنجا مجدداً به تربیت مستعدان سلوک همت گماشت. وی جمع کثیری را در شوشتر و بصره پروراند که مهم‌ترین و نامدارترین آنها محمدبن سالم بصری (م ۲۹۵ق) است که، به نقلی، شصت سال آخر عمر سهل را دریافت؛ او و فرزندش احمدبن محمدبن سالم (م ۳۵۶ق)، براساس آرا و نظریات کلامی سهل، مکتب سالمیه را در بصره پایه‌ریزی کردند.^۱

سهل در محرم ۲۸۳ یا ۲۷۳ق (ابن جوزی، *المنتظم*؛ ذهبی، *العبر*؛ ابن اثیر، *الکامل*) در بصره وفات یافت و همانجا مدفون گشت، که بعدها مدفن وی به یکی از زیارتگاههای بصره بدل شد؛ چنان‌که ابن بطوطه در *رحله خویش* (ج ۱، ص ۱۹۸) از مزار سهل در مقابر بصره یاد می‌کند.

معرفی و نقد منابع

منابع مربوط به سهل در این جستار، براساس موضوع، به پنج دسته تقسیم شده‌اند. عناوین ذیل هر موضوع، به ترتیب تاریخ تألیف معرفی و نقد مختصری می‌شوند. موضوعات عبارت‌اند از: رسائل صوفیانه، تذکرها یا طبقات رجال صوفیه، تواریخ و

۱. گلدزیهر مقاله مختصری در باب عقاید کلامی سالمیه در مجله ZDMG منتشر کرده است که مستقلاً معرفی خواهد شد.

کتب جغرافیایی، تحقیقات پیرامون سهل (اعم از قدیم و معاصر)، مدارک کتابشناختی. در پایان نیز دو بخش افزوده شده است: یکی در معرفی تصانیف منسوب به سهل — که خود مهم‌ترین منبع شناخت آرای سهل به شمار می‌آید — و دیگری در معرفی اصحاب و شاگردان سهل که نام آنها از لابه‌لای متون و سلسله‌راویان از سهل استخراج شده است.

رسائل صوفیانه

۱. *اللمع*، از ابونصر، عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی سراج (م ۳۷۵ق). این کتاب که به تصحیح نیکلسون به تاریخ ۱۹۱۴م در مطبعة بریل لیدن چاپ شده، از قدیم‌ترین متون صوفیه است و از اقوال سهل و شاگردان وی بهره بسیار برده است. به گفته باورینگ (۱۹۸۰: ۱۷) در این کتاب، پس از شبلی و جنید، بیشترین نقل اقوال از سهل است و تقریباً صد بار از سهل و شاگردان وی سخن به میان آمده است. نویسنده برخی از اقوال تفسیری سهل را نیز نقل کرده که به عین الفاظ یا به مضمون، در تفسیر موجود است. چنان‌که سراج در جای جای کتاب تصریح کرده، شخصاً با محمد بن احمد بن سالم بصری (م ۳۵۶ق) مروج اصلی طریقه سهل، ارتباط داشته و بسیاری از معالم و افادات سهل را به نقل از او آورده است. نظر به قرب زمانی مؤلف با سهل و ارتباط وی با ابن سالم، یقیناً آرای سهل احتمالاً با تحریف کمتری به دست وی رسیده است. قابل ذکر اینکه سراج بیشتر به نقل اقوال محققانه سهل اهتمام داشته و کمتر به حکایات و شرح حال نویسی پرداخته است و از این لحاظ اطلاعات چندانی به ما نمی‌دهد. از جمله شاگردان سهل که سراج از او سخن می‌گویند، ابومحمد اسحاق بن احمد است؛ وی حکایتی از مشارالیه نقل می‌کند حاکی از اینکه او و استادش هر دو در کیمیاگری دست داشته‌اند (سراج، *اللمع*، ص ۳۲۶). مطلبی که در *اللمع* راجع به سهل آمده و دیگران توجهی بدان نداشته‌اند، ماجرای سفر سهل به ارّجان است، سراج به نقل از ابویعقوب نهرجوری گوید: ابویعقوب موسی و سهل تستری در سفری، همزمان در ارّجان حضور داشته‌اند و سالکی مسأله‌ای بر آن دو عرضه داشت که به محاوره آن دو بر سر پاسخ به آن مرد ختم شد (همان، ص ۱۹۳). مطلب قابل توجه در *اللمع* این است که این اثر کمتر از صد سال پس از مرگ سهل

تألیف شده و حضور پررنگ سهل و آرای وی در این کتاب نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری سهل بر صوفیه پس از او است. در تکمله بحث یادآوری این نکته لازم است که گرچه *اللمع* از منابع دست اول و موثق برای شناخت قدمای صوفیه به طور اعم، و سهل تستری به طور اخص است، باورینگ در نقد این کتاب گوید: «نمی‌توان بر ارزش و درستی مطالب آن تأکید کرد.» ما در باب نقد مقاله باورینگ، انشاءالله مسوئلاً به آن می‌پردازیم.

۲. *قوت القلوب فی معاملات المحبوب*، اثر ابوطالب محمدبن علی عطیه مکی (م ۳۸۶ق). این کتاب مکرر به چاپ رسیده، ولی اغلب چاپها بازاری و فاقد فهرس تخصصی و فنی است. مؤلف *قوت القلوب* معروف‌ترین نماینده سالمیه و مستقیماً شاگرد احمدبن محمدبن سالم بصری (م ۳۵۶ق) است، او از ابن‌سالم با وصف «شیخنا»، از سهل تستری با وصف «اماننا» و احیاناً «شیخ شیخنا» یاد می‌کند. و بنا به عقیده باورینگ (۱۹۸۰: ۲۶) هرگاه سخنی در *قوت القلوب* با آغاز «قال عالمنا» نقل شده، مقصود سهل تستری است. تأثیرپذیری سالمیه از آرا و تعالیم سهل و موقعیت خاص ابوطالب در سالمیه، و نیز حضور پررنگ تستری در *قوت القلوب* — تا بدانجا که حدود دویست بار از سهل و آرای وی در کتاب یاد شده — از این اثر منبعی معتبر و موثق ساخته است؛ افزون بر اینکه *قوت القلوب* حاصل سالهای پختگی و نیمه دوم عمر مکی است.

۳. *علم القلوب*. اثر دیگر ابوطالب مکی است. وی این کتاب را بعد از *قوت القلوب* تألیف کرده است، زیرا در آن از *قوت القلوب* خود یاد می‌کند. بخش عمده‌ای از این کتاب دارای مفاهیمی رمزآلود و در بیان شوق و وجد صوفیانه و فراست عارفان است که در *قوت القلوب* نیز نظایر آن بیان شده است. این کتاب مشتمل بر دو بخش است: بخش اول (ص ۴-۱۴۴) مشتمل بر آرای عرفا درباره حکمت، علم و توحید است که اغلب مباحث آن با آیات قرآن شروع می‌شود. بخش دوم (ص ۱۴۴-۲۹۰) به بحث درباره اخلاص، نیت مؤمن و اعمال اختصاص دارد و حاوی مواعظ بسیار است. بهره زیادی از مواعظ و اقوال سهل در *علم القلوب* نقل شده که در بخش اول اغلب حول دو محور است: یکی علم و علما، و دیگری مبعث رسول‌الله (ص) و ماهیت آن. مؤلف، هنگام بحث درباره علم و علما بخش مهمی از اقوال تفسیری

سهل را در باب خلقت نقل می‌کند و از این رو می‌تواند متمم اقوال سهل در تفسیر باشد. متأسفانه نگارنده نسخه‌ای از این کتاب را نیافت و آنچه ذیل این عنوان ایراد شد اقتباس و ترجمه‌ای بود از گفتار باورینگ در کتاب نگارش عارفانه (۱۹۸۰: ۲۶).

۴. *عطف الالف المألوف علی اللام المعطوف*. اثر ابوالحسن علی بن محمد دیلمی (قرن چهارم هجری) که گویا معاصر ابوطالب مکی (م ۳۸۶ق) بوده و بنابه قول مطلع، این کتاب در برخی نسخ موجود در ترکیه به شمس‌الدین محمد بن عبدالملک دیلمی مؤلف تفسیر *فتوح الرحمن فی اشارات القرآن* منسوب است (حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۴۰). این کتاب به سال ۱۹۶۲م به تحقیق ج.ک. وادیه در چاپخانه «المهد العلمی الفرنسي» در قاهره به چاپ رسیده است. چنان‌که از همین متن فهمیده می‌شود، او شاگرد ابن خفیف شیرازی (م ۳۷۱ق) بوده و از ابوالحسن بن بکران بن فضل روایت می‌کند که این شیخ خود از ابوشجاع محمد بن سعدان مقاریزی روایت می‌کند. این کتاب در باب محبت و تحقیق در عشق تألیف شده و آرای فضلا و حکما و اشارات اهل عرفان در باب عشق را در آن گردآوری و غوامض اقوال را خود تحت عنوان «قال صاحب الکتاب» شرح کرده است (همانجا).

او در باب چهارم کتاب — که اقوال متکلمین در باب محبت را بررسی می‌کند — نظر سهل در باب این موضوع را نقل کرده است و این خود نشانگر چهره کلامی سهل و شهرت وی بدان است. خلاصه کلام سهل این است: خدای را سه نور است: اول نور محمد (ص)، دوم نور آدم، و سوم ذریت آدم. و دو نور اخیر از نور محمد (ص) آفریده شده است. مؤلف در پایان گوید: لازمه این قول آن است که محبت هر محبی ناشی از معدن وجود بعد از حق باشد که قلب پاک رسول خدا (ص) است. و قول سهل در تفسیر آیه کریمه «لا اله الا الله الذی آمنتم به بنو اسرائیل» را شاهد نظر خود می‌داند و اضافه می‌کند که ایمان فرعون در نفس آخر بدان سبب نداشت که از معدن قلب موسی اخذ شده بود (دیلمی، *عطف الالف*، ص ۳۴). مطلب دیگری که راجع به سهل آمده، نسبت دادن قول «لا اله الا الله» به جسد سهل است.

۵. *سیره ابن‌الخفیف*. از دیگر تصانیف ابوالحسن دیلمی کتاب *سیره ابن‌الخفیف* است که آن را درباره مشایخ طریقت، به‌ویژه استاد خویش ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی (م ۳۷۱ق)، تألیف کرده است. این ابن‌خفیف، سراج و ابونعیم را مریدان خود خواند و

با احمد بن سالم مخالفت کرد و کتابی در ردّ سالمیه به نام *الردّ علی بن سالم* نگاشت. تصویری که دیلمی از سهل در این کتاب ارائه داده، نشان از ارتباط سهل و صوفیان فارس دارد. متأسفانه به نسخه‌ای از این عنوان دست نیافتیم و از مقاله باورینگ (۱۹۸۰: ۲۶) استفاده کردم. شایان ذکر اینکه محمد دهقانی در مقاله خود (۱۳۷۷: ۱۳) نام این کتاب را به صورت «صراط ابن خفیف» ضبط کرده که خطایی است ناشی از بدخوانی متن فرنگی.

۶. *التعرف لمذهب اهل التصوف*، اثر ابوبکر محمد کلاباذی (م ۳۸۰ ق). کلاباذی در باب دوم کتاب، تحت عنوان «رجال الصوفیه» از سهل در شمار قدمای صوفیه نام می‌برد و تقریباً سی مورد از اقوال سهل را نقل می‌کند که برخی به نقل از ابن سالم و مزین است؛ ولی مطلب چندانی در باب شرح حال سهل یا اصحاب او ندارد. جملاتی را از سهل آورده که شبیه آن را نیز از جنید نقل کرده است. برخی از اقوال سهل در *التعرف* را می‌توان در *اللمع و حلیة الاولیا* یافت؛ ولی اقوالی نیز در آن هست که در دیگر منابع دسترس رؤیت نشد. در یک مورد نیز قول سهل در باب تجلی را مبسوطاً شرح و بسط داده است (ص ۱۲۱).

از مطالب قابل ذکر اینکه قول معروف امیرالمؤمنین (ع) «لو كشف الغطاء ما ازدت يقيناً» در این کتاب به سهل تستری نسبت داده شده است (ص ۱۰۳) و طرفه اینکه همین کلام در *تهذيب الاسرار* خرگوشی (ص ۹۱) به عامر بن قیس منسوب شده است. ۷. *تهذيب الاسرار فی طبقات الاخيار*، از عبدالملک بن محمد بن ابراهیم خرگوشی نیشابوری (م ۴۰۷ ق) (کحاله، معجم، ج ۶: ص ۱۸۸). باورینگ در فهرستی که از منابع مربوط به سهل ارائه کرده، چون به نسخه این کتاب دسترسی نداشته، فقط از قول آربری — که نسخه کتاب را دیده — گوید: شامل اطلاعات جالبی درباره سهل است. این کتاب در شیوه تألیف از *اللمع سراج الگو* گرفته است و آنچه از نسخه‌های آن می‌شناسیم، فقط دو نسخه کامل و یک منتخب از آن است که یکی از دو نسخه مذکور مورخ ۸۴۸ ق به شماره ۲۸۱۹ در فهرست کتابخانه برلین موجود است (ج ۳: ۶-۷) و نسخه دیگر متعلق به «المکتبة الوطنیه» واقع در مجتمع فرهنگی ابوظبی است که نسخه‌ای است کهن مورخ ۲۲ ربیع الاول ۶۰۸ ق. نسخه منتخبی از *تهذيب الاسرار* درباره فرق بین ملامتیه و صوفیه به شماره ۲۸۲۰ نیز در کتابخانه

برلین موجود است. بسم‌بن محمد بارود به سال ۱۴۱۸ق فقط براساس نسخه ابوظبی کتاب را به چاپ رسانده است که البته به دلیل عدم دسترسی به نسخه برلین، و نواقص نسخه ابوظبی، و عدم آشنایی لازم با زبان فارسی و نفهمیدن برخی کلمات و مصطلحات فارسی مستعمل در *تهذیب‌الاسرار*، خالی از اغلاط فاحش نیست ولی چاپ این کتاب ارجمند به هر حال کاری بوده است در خور تقدیر.

خرگوشی مجموعاً ۹۸ بار، به مناسبت ذکر اقوال یا حکایات و کرامات، از سهل یاد کرده است که شمار قابل توجهی از اقوال را می‌توان در *اللمع سرّاج* و نیز در *حلیة‌الاولیا* دید؛ او بخشی از اقوال را با ذکر سند و به واسطه از شاگردان سهل نقل می‌کند که قابل توجه است. اقوال دقیق از سهل در باب توبه در میان دیگر اقوال منقول تمایز بیشتری دارد. از لابه‌لای اقوال منقول از سهل به نام سه تن از اصحاب برمی‌خوریم که از آنها با وصف «صاحب سهل» یاد کرده است: ابوعلی اصفهانی، ابومحمد السفر بن الحسن، عمر بن واصل غبری.

حکایتی از سهل در *تهذیب‌الاسرار* آمده، مبین وجود افعی در کنار سهل و حیرت مریدی از دیدن آن؛ دکتر شفیع‌کدکنی در *هامش نسخه چنین مرقوم فرموده‌اند*: «شبیّه بوسعید و ازدها و مرید.» و این تعلیقه صریح در انتساب شبیه همین داستان به بوسعید ابوالخیر است. ظن نگارنده بر این بود که در *اسرار‌التوحید* مصحح ایشان نیز از این واقعه سخنی رفته باشد؛ ولی با مختصر جست‌وجویی که کردم، چیزی نیافتم. مطلب دیگر اینکه شاید قدیم‌ترین منبع که داستان شفای یعقوب لیث به دست سهل را نقل کرده، همین *تهذیب‌الاسرار* (ص ۳۶۸) باشد و بعید نیست که ابونعیم نیز این داستان را در *حلیة‌الاولیا* (ج ۱۰، ص ۲۱۰) از *تهذیب* نقل کرده باشد. قابل توجه اینکه مصحح در تصحیح متن داستان دچار خطایی فاحش شده که بدان اشاره می‌رود: در متن عربی داستان آمده است: «فأمر یعقوب بإحضاره [سهل] من العمارية فأحضر.» مصحح محترم در توضیح لغت «العماریة» به نقل از *قاموس* آورده است: «العماریة قریة بالیمامة.» یعنی یعقوب امر کرد که سهل را از *عماریة* یمن احضار کنند تا به شوشتر بیاید. مصحح محترم توجه نکرده است که کل *صحنه* داستان صفحات شوشتر بوده و سهل هم در آن زمان در یمن اقامت نداشته است. این جمله در *حلیة‌الاولیا* (همانجا) به این شکل آمده است: فأمرَ بإحضاره فی العماریات

فأحضر. بنابراین، منشأ اشتباه تصحیف «فی» به «من» بوده است. عماریه نیز مفرد عماریات، به معنای هودج و کجاوه است.

۸. بهجة الاسرار، از علی بن عبدالله بن جهضم همدانی (م ۴۱۴ق). ذهبی در سیر اعلام النبلا (ج ۱۷، ص ۲۷۵) از او با عنوان «شیخ الصوفیه بالحرم» یاد می‌کند و باورینگ (۱۹۸۰: ۲۳) بدون اشاره به محل نگهداری نسخه آن می‌گوید: فقط بخشی از کتاب در دست است که متضمن برخی اشارات سودمند به سهل و شاگردان او است. چنان‌که از مصارع العشاق (ج ۱، ص ۱۹۷) برمی‌آید، ابن جهضم، احمد بن محمد بن سالم (م ۳۵۶ق) را درک کرده و از او سماع حدیث و اجازه روایت داشته است. بخشی از مطالب بهجة الاسرار درباره سهل را می‌توان در حلیة الاولیا، مصارع العشاق، مناقب الابرار ابن خمیس موصلی (م ۵۵۲ق) و تلبیس ابلیس یافت. نسخه‌ای از این کتاب در ظاهریه دمشق (مجموعه ۴/۶۶) موجود است و شاید همان باشد که باورینگ بدان اشاره می‌کند.

شایان ذکر اینکه ابن حجر عسقلانی در لسان‌المیزان (ج ۴، ص ۲۳۸) بر عجایب قصص موجود در بهجة الاسرار ایراد می‌گیرد و می‌گوید: شکی در نادرستی اقوال وی نیست. ذهبی در سیر اعلام النبلا (ج ۱۷، ص ۲۷۵-۲۷۶) نیز او را غیر ثقه و کاذب دانسته است. در مصارع العشاق داستانی مبنی بر مکالمه خرس و سهل از ابن جهضم نقل شده که ظاهراً از همین کتاب گرفته است.

۹. نورالمیریدین و فضحیة المدعین = شرح التعرّف از اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی (م ۴۳۴ق). کهن‌ترین متن صوفیانه به زبان فارسی که به دست ما رسیده است. این کتاب به خوبی نشان‌دهنده تأثیر سهل بر صوفیه ۱۵۰ سال بعد از اوست و اینکه چگونه برای شرح و فهم دقایق سخن وی می‌کوشیده‌اند. اطلاعات نو و جالبی درباره سهل و کرامات وی دارد. مجموعاً ۳۱ بار در این کتاب از سهل یاد شده است؛ شارح در تبیین اقوال سهل مبسوطاً از او سخن می‌گوید و سعی در توجیه مشکلات کلام سهل دارد و نوعاً به آیات قرآن استشهاد می‌جوید و دفاع سختی از آرای سهل دارد.

در باب دوم کتاب به شاگردی سهل نزد ذوالنون تصریح می‌کند و می‌گوید: روزی که شروع به تدریس و ارشاد مریدان کرد، خبر از مرگ ذوالنون در مصر داد، و یاران

تاریخ آن روز را نوشتند و بعدها صدق اخبار سهل روشن شد. شارح این اخبار سهل را از مقوله فراست می‌داند نه غیبگویی (ص ۲۱۵).

مطلب دیگر اینکه عبارت معروف سهل در دعا برای یعقوب لیث که در اغلب منابع از جمله *حلیة الاولیا* (ج ۱۰، ص ۲۱۰) به گونه «اللهم اریته ذل المعصیة فأره عز الطاعة» آمده، در این کتاب چنین ضبط شده است: «اللهم قد اریته ذل معصیته فأره عز طاعتی». چنان‌که ملاحظه می‌شود، لطف نقل دوم بر مدقق پوشیده نیست. داستان مربوط به جنازه سهل بر تخت غسال — که در برخی منابع آمده — تکلمه‌ای دارد که فقط در اینجا (ص ۱۷۹۶) ذکر شده است.

۱۰. *الرسالة فی علم التصوف = الرسالة التشریة* از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری (م ۴۶۵ق) فقیه اشعری خراسان. وی این کتاب را به قصد ایجاد وفاق بین تصوف و فقه اشعری خطاب به صوفیه نگاشته است. در این رساله حدود هشتاد مورد از سخنان سهل ذکر شده و جزء مشایخی است که بیشترین نقل قول از آنها در کتاب یادشده دیده می‌شود. کلیت شرح حال سهل در این کتاب برگرفته از طبقات سلمی است. برخی از اقوال را نیز از کتاب *اللمع سراج* با نسبت به سراج نقل کرده؛ بخشی از اقوال و حکایات را نیز به نقل از *بهجة الاسرار* ابن جهضم (م ۴۱۴ق) آورده و علاوه بر اینها تفصیلاتی در بدایت احوال سهل و کیفیت سلوک او آورده که منبع آن نامعلوم است و در کتب صوفیانه قبل از او که در دست هست، دیده نشد. عطار نیز در *تذکرة الاولیا* تفصیلات حال سهل را از همین رساله برگرفته است. وی این سخنان را به نقل از محمد بن الحسین (؟؟) آورده است. قشیری از این دسته اصحاب سهل نقل قول می‌کند: ابوالحسن علی محمد المزمین (م ۳۲۸ق)، ابومحمد احمد بن محمد بن حسن جریری (م ۳۱۱ق)، عمرو بن سنان، و ابن مسروق. حکایتی در باب شکایت مرید از سرقت اموال خانه‌اش نقل می‌کند که در دیگر منابع دیده نشد.

گفتنی است، همان‌گونه که گذشت، کلاباذی در *التعرف* سخن معروف امیرالمؤمنین (ع) «لو كشف الغطاء...» را به سهل نسبت داده است. قشیری به شیوه‌ای این کلام را از سهل نقل می‌کند که روشن است سهل بر سبیل استشهاد این سخن را گفته است. اینک عبارت قشیری: «و سهل گوید ابتداء یقین مکاشفه بود و از بهر این گفته‌اند بزرگان: لو كشف الغطاء ما ازددت یقیناً.» داستانی از سهل حاکی از اخبار سهل از

مرگ شاهین شجاع کرمانی گزارش شده که شبیه اخبار سهل از مرگ ذوالنون مصری است. حکایتی نیز در باب روز وفات سهل و فرود آمدن آسمانیان و تبرک جستن به جنازه سهل از کتاب *بهجة الاسرار* ابن جهضم نقل شده که در دیگر منابع دیده نشد. حکایات دیگری نیز در کتاب هست که شفاهاً به نقل از اصحاب سهل آورده است. داستان ناوای کور بصری در متن عربی با ترجمه این رساله که استاد فروزانفر (ص ۵۸۸) چاپ کرده‌اند، تفاوت‌هایی دارد.

۱۱. *کشف المحجوب*، اثر ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری (م ۴۶۹ق). مؤلف در اواخر عمر خویش *کشف المحجوب* را به پایان می‌رساند و مقصود وی از تألیف این کتاب شرح و تبیین عقاید عرفا بوده و نظری به جزئیات شرح حال صوفیان ندارد. وی مطالب خود را غالباً براساس شفاهیات صوفیانه بیان کرده است؛ همچنین از برخی منابع همچون *اللمع سراج* تأثیر پذیرفته است. به علاوه آثاری چون تصانیف سلمی و قشیری برای جلابی شناخته شده بوده است. ظاهراً *کشف المحجوب* نخستین منبعی است که عقاید صوفیانه را در قالب مکاتب جداگانه بررسی، و مشخص کرده که تعالیم صوفیانه هر عارف به تشکیل کدام نحله منتهی شده است. یکی از دوازده مکتبی که جلابی برشمرده، مکتب «سهلیه» است که مریدان سهل آن را پایه‌گذاری کرده‌اند و شاید مراد وی همان سالمیه باشد.

۱۲. *مصارع العشاق* از ابوبکر، جعفر بن احمد سراج (۴۱۷-۵۰۰ق). سراج مصنفی دقیق، و نقل اقوال او در غایت دقت است. وی اسناد روایات را با وسواس زیاد گزارش کرده است. روایات و احادیث کتاب مشتمل است بر روایات جاهلی و اسلامی اموی و عباسی که در باب عشق و عشاق نقل شده است. کتاب مشتمل بر ۲۲ جزء است که هر جزء با اشعاری عاشقانه و تغزلی شروع می‌شود. وی برخی از اقوال سهل و حکایات مربوط به وی را در کتاب آورده است؛ از جمله داستان مکالمه خرس و سهل که خود مشتمل بر کرامتی از سهل (ج ۱، ص ۱۹۷). سراج این حکایت را به نقل از ابوالقاسم بن عبدالعزیز خیاط و او از ابن جهضم (م ۴۱۴ق) و او هم از ابن سالم نقل کرده است. ظاهراً این داستان از جمله حکایات غریبی باشد که ابن جهضم در *بهجة الاسرار* آورده و ابن حجر عسقلانی به خاطر آنها مؤلف را ملامت و متهم به دروغ‌گویی کرده است. مؤلف به نقل از ابن جهضم گوید که این اولین

کرامت و عجبیه‌ای بود که در زندگی مشاهده کردم. دیگر کلام قابل توجه، قول سهل در باب اصناف مردم است که مؤلف نیز آن را به واسطه از ابن جهضم نقل می‌کند و بایستی از منقولات *بهجة الاسرار* (ج ۱، ص ۲۷۱) باشد.

برخی از اقوال سهل با اسناد مختلف به صورت مکرر نقل شده که حداقل فایده آن دستیابی به نامهای بیشتری از اصحاب سهل است. این خود نشانگر آن است که مؤلف فرصت تهذیب و ویراستاری کتاب خود را نیافته است.

۱۳. *إحياء علوم الدين* از ابو حامد محمد بن محمد غزالی (م ۵۰۵ ق). در این کتاب حدود شصت بار از سهل و اقوال وی یاد شده که اغلب از *قوت القلوب* مکی اخذ شده و برخی نیز از *رسالة قشيرية*، *حلیة الاولیا* و *تهذیب الاسرار* گرفته شده است. غزالی از میان سخنان سهل به آن دسته از گفته‌های وی که به تصفیة باطن و دقایق احوال قلب و عجایب آن تعلق دارد، اعتنای خاصی دارد و در کتاب *آفة شهوة البطن والفرج* بر نظر سهل در فواید گرسنگی تأکید دارد. وی همچنین سهل را از وعاظ سه‌گانه بصره می‌شمرد که از میان ۱۲۰ واعظ بصره مختصاً در علم‌الباقین و احوال اوصاف باطن سخن می‌گفته و مستمعین انگشت‌شمار داشته است. غزالی به اقوال تفسیری سهل نیز توجه خاصی دارد.

۱۴. *زبدة الحقایق*. از عین‌القضات همدانی (م ۵۲۵ ق)؛ او در تصانیف خود به سهل توجه دارد و در *زبدة*، فصل ۷۳ — که مبحث قدر را جزء طور ورای عقل می‌داند — در پایان بحث، کلام دقیق سهل را شاهد بر استدلال و استنتاج خود می‌گیرد: «الكلام فی‌القدر عندالمخالف بدعه» (عین‌القضات، *زبدة*، ص ۹۴). این تنها موردی است که در *زبدة* از سهل یاد شده است. همچنین در *تمهیدات* مجموعاً پنج بار از سهل و کلام او یاد کرده و در پایان مباحث خویش بدانها استشهاد جسته است؛ مثلاً در صفحه ۸۳ کلامی از سهل نقل کرده از مقوله تعبیرات حروفیان و اخذ معانی عرفانی از اشکال حروف، و گویا از *رسالة الحروف* سهل اخذ شده باشد. او برخی از اقوال تفسیری سهل را نیز نقل کرده است. عین‌القضات به نظریة سهل در باب لزوم ولی بعد از پیامبر و نیز نظر او در باب نور محمدی اعتنا دارد و بدان تکیه می‌کند (همو، *تمهیدات*، ص ۴۷، ۸۳، ۲۴۸). در *شکوی الغریب* نیز، به مناسبت ذکر سالمیه و ابن‌سالم، از سهل یاد می‌کند و بار دیگر او را در ردیف اکابر عرفا نام می‌برد و بر محنت کشیدن وی

تأکید دارد که ظاهراً مقصودش کوچ وی از شوشتر به بصره است. او در این اثر مجموعاً سه بار از سهل یاد کرده است.

۱۷. کشف الاسرار و عده الابرار از رشیدالدین فضل‌الله میبیدی (م ۵۳۰ ق). در این کتاب تفسیر مجموعاً حدود ۲۴ مورد از اقوال سهل نقل شده است. بخشی از اقوال وی در «نوبه ثانیه» و اغلب آنها در «نوبه ثالثه» درج شده است. بیشتر اقوالی که در کشف الاسرار آمده، عیناً، یا با نقل مضمون، در کتاب اللمع سراج و قوت القلوب مکی و حلیه الاولیا آمده است. به خلاف توقع، هیچ نقل قولی از تفسیر سهل در کشف الاسرار دیده نمی‌شود.

۱۸. تلبیس ابلیس از ابوالفرج ابن الجوزی (م ۵۹۷ ق). سهل در این کتاب از جمله کسانی است که در نقد مسالک صوفیه نوک تیز حمله متوجه اوست. مؤلف از منابع متقدم صوفیه مانند رساله قشیریه، طبقات الصوفیه، سنن الصوفیه سلمی و بهجة الاسرار ابن جهضم و حلیه الاولیای ابونعیم اقوالی از سهل نقل کرده و ضمن تاختن به مؤلفان آن کتب به سبب استنادشان به اقوال و کردار سهل، به نقد و رد کلام وی می‌پردازد.

وی به خلاف قول مشهور منابع صوفیه — که علت خروج سهل از شوشتر را اظهار نظرش درباره «وجوب توبه» در هر نفس دانسته‌اند — به نقل از سلمی گوید: سهل را بدین سبب از شوشتر راندند که ادعا کرد ملائکه و اجنه و شیاطین در مجلسش حاضر می‌شوند و با وی گفت‌وگو دارند. همین سخن بر عوام گران آمده، موجب شد تهمت‌ها بر او بندند و او را از آن دیار برانند. وی همچنین روزه‌گشادن سهل به گاه را نکوهش می‌کند و خلاف سنت نبوی می‌داند. از جمله مسائل قابل توجه دیگر اینکه به نقل از ابن جهضم (ظاهراً منقول از بهجة الاسرار او) مذاکره و محاجه ابوعبدالله زبیری با سهل را بر سر ادعای «حجت‌اللهی» سهل نقل می‌کند، سپس در صفحه بعد به نقل کلام سهل می‌پردازد و آن را مخالف قواعد شرع می‌داند. مؤلف در قسم تلبیسات ابلیس نیز در تفاسیر مأثور، برخی از اقوال تفسیری سهل را نکوهیده و تلویحاً آنها را مصداق تفسیر به رأی دانسته است؛ تفسیری که هیچ قرینه و شهادی در نصوص شرعی ندارد، فقط ذوقی است شبیه ذائقه شعرا. شگفت‌تر از همه اینکه جمله دقیق سهل در باب توکل و اکتساب را — که به نوعی جمع بین هر دو مقوله است — حمل بر نادانی و قلت دانش سهل می‌کند.

۱۹. *اسرار التوحید* از محمد بن منور میهنی (م ۶۰۰ ق). مؤلف فقط دوبار به نقل از ابوسعید، از سهل نقل مطلب کرده است: یکی در باب خرّقه و دیگری در باب دعوی (میهنی، *اسرار*، ص ۲۰۱، ۲۴۷) و جز این دو مورد هیچ ذکر دیگری از سهل در کار نیست. ۲۰. *شرح شطحیات*. روزبهان بقلی شیرازی (م ۶۰۶ ق) در این کتاب که به تاریخ ۵۷۰ ق تألیف کرده به برخی از شطحیات سهل پرداخته است. در اوایل کتاب چون محتتهای صوفیه را نقل می‌کند، از جملهٔ متحنین صوفیه، سهل را نام می‌برد و می‌گوید که «او را از شوشتر براندند» که البته شاید مقصود از تعبیر راندن اخراج یا تبعید به معنای مصطلح آن نباشد، بلکه کوچیدن وی در اثر رنجش از ششتریان را در نظر داشته؛ او کرامتی را نیز از سهل نقل کرده است.

روزبهان سه مورد از جملات شطح‌آمیز سهل را شرح کرده است. شطح اول مشتمل بر محاجّه‌ای است که سهل با فقهای شوشتر بر سر اثبات حجت‌اللهی خویش بر ملائکه و حجت‌اللهی گوسفند وی بر فقها و علما داشته است. و چون به خاستگاه این سخن دقت شود، می‌توان رمز شوریدن عوام بر سهل را که موجب خروجش از شوشتر شد، دریافت.

۲۱. *مشرّب الارواح*. اثر دیگر روزبهان است که آن را در بیان مقامات عرفا تألیف کرده و به سال ۵۷۹ ق به پایان برده است. او به بخشی از اقوال سهل استشهاد جسته که اغلب منقول از *حلیة الاولیا، اللمع سراج و طبقات الصوفیه سلمی* است. شایان ذکر اینکه در پی برخی از سخنان سهل، قول مناسب و مرتبطی را با عنوان «قال العارف رضی الله عنه» می‌افزاید که معلوم نگارنده نشد که مقصود از این عارف کیست. او برخی از مضامین اقوال سهل را مکرر آورده است و به آراء سهل در باب معجزه، کرامت و رهگشا بودن گرسنگی و امساک اشاراتی دارد.

۲۲. *عرائس البیان فی تفسیر القرآن*. اثر دیگر روزبهان است که به انضمام تفسیر ابن‌عربی در مطعبةٔ نولکشور به چاپ رسیده است. روزبهان در این تفسیر شمار قابل توجهی از اقوال تفسیری سهل را نقل و به بسیاری از اقوال وی استشهاد می‌کند. او بخشی از اقوال سهل را از *حقایق التفسیر سلمی* اخذ کرده است. قابل توجه اینکه بخشی از اقوال تفسیری که در *عرائس* هست، نه در *حقایق سلمی* یافت می‌شود، نه در تفسیر سهل که امروزه در دست ما است.

۲۳. *الفتوحات المکیه*. محیی‌الدین ابن عربی (م ۶۳۸ ق) در این کتاب سخت تحت تأثیر عقیده سهل مبتنی بر تطبیق مقامات و درجات اهل بهشت با مقامات و مراتب اهل عرفان و سلوک است، به همان شیوه که در تفسیر آیه شریفه «لترکبن طبقاتاً عن طبق» (۸۴: ۱۹) درجات اولیا را تقسیم کرده اکلام سهل، ص ۱۴۳) و هریک را به درجه حسیه و درجه معنویه بخش نموده است. او معتقد است از جمله کسانی که تمامی این مراحل را طی کرده و به ذروه اعلائی آن رسیده‌اند، می‌توان به بایزید بسطامی و سهل تستری اشاره کرد (ابن عربی، *فتوحات*، ج ۲، ص ۵۲). در اغلب منابع صوفیه راجع به دغدغه عرفانی سهل که به دنبال پاسخ آن راهی عبادان شد و حبیب عبادانی پاسخ او را داد، سخن گفته‌اند؛ ولی کسی از اصل پرسش سهل سخن نگفته و ابن عربی — بنا به منابع موجود — ظاهراً اولین کسی است که از دغدغه سهل، یعنی سجده قلب، سخن گفته و تاکنون منبع سخن او نامعلوم است و اگر از مکاشفات شخصی خود او نباشد، بایستی از منبعی نقل کرده باشد که فعلاً بر ما پوشیده است.

۲۴. *فصوص الحکم*. ابن عربی همچنین در *فصوص منقولات* و *اقتباساتی از سهل* دارد از جمله در *فص کلمه اسحاقیه* و *فص کلمه اسماعیلیه* که در باب *سر ربوبیه* و *امتناع بطلان آن بحث مبسوطی* دارد، و *مصحح فصوص*، ابوالعلا عقیفی، نیز در بخش تعلیقات، توضیحاتی درباره آن آورده است. محیی‌الدین همچنین به مسأله سجود قلب — که ظاهراً اولین بار سهل مطرح کرده — در این کتاب عنایت خاصی دارد.

۲۵. *الجواب المستقیم عما سأل عنه الترمذی الحکیم*. محیی‌الدین در این کتاب نیز مطالبی راجع به سهل دارد. او در این رساله به پرسشهایی که حکیم ترمذی در فصل چهارم کتاب *ختم الاولیا* تحت عنوان «المسائل الروحانیة» مطرح کرده، پاسخ داده است. عثمان یحیی در چاپ *ختم الاولیا* در *یاورقی* فصل چهارم پاسخهای ابن عربی را از *الجواب المستقیم* برگزیده و در ذیل هر سؤال گنجانده است. شیخ در این پاسخها در هفت مورد از سهل یاد می‌کند و او را بسیار می‌ستاید. در ذیل سؤال هفتم ترمذی که «بأی شیء استوجبوا علی ربهم» در پاسخ از *مکالمه ابلیس* و سهل یاد می‌کند که بدو گفت: «یا سهل التقیید صفتک لاصفته». در جای دیگر (ص ۲۶۹) در پاسخ، «ما السجود» شاهد از سجود قلب سهل می‌آورد و به توجه قول عبادانی در پاسخ به سهل می‌پردازد. در پاسخ به سؤال اول ترمذی در باب *منازل اولیا* به

مناسبت به شمارش انواع علوم می‌پردازد و می‌گوید: هیچ‌کس از امم به تمام این علوم اعم از لدنی، علم‌النور، و علم‌الجمع و التفرقه دست نیافته، مگر اولیا، و از اولیا برخی به بخشی از این علوم دست یافته‌اند و برخی تمام این علوم و سهل و بایزید تمام آن را کسب کرده‌اند.

۲۶. *بلغة العوالم*. ابن عربی در این کتاب خود نیز مکالمه سهل و ابلیس را نقل کرده است (ابن العماد، *شذرات*، ج ۱، ص ۱۸۴).

۲۷. *مصباح الهدایة و مفتاح العنایة* از عزالدین محمود کاشانی (م ۷۳۵ق). مؤلف در این کتاب مجموعاً ۲۴ بار از سخنان سهل بهره برده که اغلب از *عوارف‌المعارف* سهروردی متأثر است؛ ولی در برخی موارد که سخنان سهل تعقیداتی دارد، شرحی بر آنها نوشته است. حکایتی نیز مشتمل بر گفت‌وگوی سهل با مرد بادیه‌نشین نقل می‌کند که در منابع قابل دسترس ندیده‌ام. برخی اقوال سهل را نیز تکرار کرده و در مناسبتهای مختلف بدان استشهاد جسته است.

۲۸. *عوارف‌المعارف* از شهاب‌الدین عمر سهروردی (۵۳۹ - ۶۳۲ ق). از جمله متون درسی صوفیه است و بیش از سی بار از سهل نقل قول کرده است که می‌توان آنها را برگرفته از *حلیة الاولیا*، *رسالة قشریه* و کتاب *اللمع* دانست. برخی از اقوال تفسیری سهل را نیز مورد توجه قرار داده است.

۲۹. *اوراد الاحباب و فصوص الادب* از ابوالمفاخر یحیی باخرزی (م ۷۳۶ق). باخرزی تألیف خود را در ۷۲۴ق به پایان برده است. او هفده مورد از اقوال سهل و شاگردان و حکایات مربوط به وی را یاد کرده که مبتنی است بر *اطلاعات طبقات الصوفیة* سلمی، *قوت‌القلوب*، *اللمع سراج*، *رسالة قشریه* و *عوارف‌المعارف*. حکایات و اقوالی را نیز از سهل نقل کرده که در دیگر منابع دیده نشد؛ از جمله دستورالعمل سهل راجع به شیوه ذکر و حکایتی در تأکید سهل بر نترسیدن صوفی. وی همچنین حکایتی از اصحاب سهل آورده است، بیانگر اینکه اصحاب سهل پس از وفاتش در حلقه مریدان جنید درآمدند.

۳۰. *الکواکب الدریه* از عبدالرؤف مناوی (م ۱۰۳۳ق). وی چند صفحه از کتاب خویش را به سهل اختصاص داده است و حکایت سهل و حبیب عبادانی را از فتوحات مکیه برگرفته، و برخی از اقوال محیی‌الدین ابی‌العربی درباره سهل را نیز

- آورده است (نک: مناوی، *الکواکب*، ج ۱، ص ۲۳۸؛ باورینگ ۱۹۸۰: ۴۱).
۳۱. نسیم *الریاض فی شرح شفاء القاضی عیاض* از شهاب‌الدین محمد خفاجی مصری (م ۱۰۶۹ ق). قاضی عیاض بن موسی اندلسی (م ۵۴۴ ق) در کتاب *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی* برخی از اقوال سهل و اغلب اقوال تفسیری وی را نقل کرده است. شهاب‌الدین خفاجی نیز در شرح خویش بر *شفاء* برخی از اقوال سهل را شرح کرده است.
۳۲. *المحجّة البیضاء فی تهذیب الاحیاء* از فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق). فیض این کتاب را به قصد ویرایش و تهذیب *احیاء علوم‌الدین* غزالی نگاشته است و در حقیقت *احیاء العلوم* را شیعی کرده است. وی اغلب نقل قولهای غزالی از سهل را حفظ کرده، مگر آنجا که صبغة تسنن قوی است.
۳۳. *طرائق الحقایق* از معصوم‌علیشاه (م ۱۲۱۲ ق). مؤلف در جای‌جای کتاب به مناسبت از اقوال و احوال سهل و مکاشفاتی که مربوط به او است، سخن می‌گوید. مطالب وی غالباً مأخوذ از فتوحات ابن عربی، *احیاء العلوم غزالی*، *تلویحات* شیخ اشراق و *نفحات الانس* جامی است. ارجاعاتی نیز به *مجالس المؤمنین* قاضی نورالله شوشتری دارد. در باب ولایت مطلقه به نظر سهل در این باره توجه دارد.
۳۴. *نتایج الافکار القدسیه* از مصطفی العروسی (م ۱۲۹۳ ق) که حاشیه‌ای است بر «شرح رساله قشریه» از زکریا انصاری (م ۹۲۶ ق). وی برخی از اقوال سهل را که در *رساله قشیریّه* آمده شرح و بسط داده است.
۳۵. *الجدّ فی السلوک الی ملک المملوک* از اسعد محمد سعید صاغرچی. مؤلف از معاصران است و کتاب را براساس *رساله قشیریّه* تصنیف کرده است. مطلب قابل توجهی در این کتاب درباره سهل نیست، جز حدیث معروف «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا» که در مجامع حدیثی به نبی اکرم (ص) یا امیرالمؤمنین (ع) منسوب شده است، ولی در *الجدّ فی السلوک* از سهل شوشتری دانسته شده است، منتها بدین صورت: «الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا، إذا انتبهوا ندموا، و إذا ندموا لم ینفعمهم الندم.» از سیاق کلام چنین برمی آید که سهل از حدیث در کلام خود بهره برده و دو جمله اخیر را توضیحاً بدان افزوده است؛ چرا که از لحاظ سبک سخن تفاوت بسیار بین جمله اول و مابعدش موجود است.
۳۶. *الجنّه فی وصف الجنّه* (ص ۶۷). مؤلف آن را نشناختم. کمال جعفر در *من تراث*

الصوفی از این اثر، بدون انتساب آن به هیچ مؤلفی، مطالبی نقل می‌کند. از جمله مطالب این کتاب حکایتی است که در سخاوت او نقل شده و آن اینکه مادر و برادران سهل از بذل و سخاوت سهل به عبدالله بن مبارک زاهد شکایت بردند و سهل با پاسخی آنها را قانع ساخت. مع ذلک، با توجه به تاریخ تولد سهل (۲۰۰ق) چگونه او می‌توانسته عبدالله بن مبارک را که در ۱۱۰ق درگذشته است درک کرده باشد؛ مگر اینکه اشاره عبدالله بن مبارک دیگری بوده است.

ملحقات

— ذم الکلام از خواجه عبدالله انصاری هروی (م ۴۸۱ق). ماسینیون در مصائب حلاج، صفحه ۴۷ حکایتی از ذم الکلام (نسخه خطی لندن، گ ۱۱۳الف) راجع به سهل نقل می‌کند که در منابع پیش از این ندیده‌ام و آن اینکه «روزی سهل از گوشه عزلت خود به در آمد تا به دیدار بوداود سیستانی محدث نامی برود و زبانی را که آن همه حدیث بیان کرده ببوسد». وی از این حکایت برای اثبات اهل الحدیث بودن سهل استفاده می‌کند (نک: ماسینیون ۱۳۶۲: ۴۷).

شیخ شهاب‌الدین یحیی بن حبیب سهروردی، مشهور به شیخ اشراق (م ۵۸۷ق) در التلویحات العرشیه سخن از خلسه‌ای دارد که طی آن ارسطو را می‌بیند و مفاوضاتی با او دارد، در پایان کلام چون سخن به ذکر ارباب شهود مثل سهل می‌رسد، ارسطو در جواب گوید: «أولئك هم الفلاسفة حقاً» و نیز همو در المشارع و المطارحه (ص ۵۰۳) تعبیر عجیبی درباره سهل دارد و آن اینکه گوید: «فخمیره اليونانیین وقعت إلى اخمیم و منه نزلت إلى سیار تستر و شیعته، و اما خمیره الخسروانیین فی السلوک فهي نازلة إلى سیار بسطام و من بعده إلى فتی بیضاء.» حاصل کلام اینکه سهروردی بنا به تقسیم‌بندی‌ای که برای حکمت قائل است، خمیره حکمت یونانیان را نزد ذوالنون و پس از او نزد سهل تستری می‌داند و خمیره حکمت پهلوانی را نزد بایزید بسطامی و حلاج. و این خود بیانگر علو شأن آنان نزد شیخ اشراق است.

— روضة القرین تألیف مؤمل بن مسرور چاچی مروی (م ۵۱۶ق) از علمای حنفی مذهب قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری است. مؤلف در کتاب الصوم این اثر (ص ۲۶۱) یکی از کرامات سهل را که مربوط به بیماری او آخر عمر اوست، نقل می‌کند.

— تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام از سید مرتضی داعی رازی، در دفاع از مذهب شیعه، که تألیف آن در ۶۰۰ق پایان یافته است. سید مرتضی باب هفدهم کتاب را به نقد صوفیه و اقوال آنها اختصاص داده است که منبع نقلش اغلب رساله قشیریه است. او کرامات منسوب به سهل در باب گرسنگی و چگونگی روزه‌داری و افطار سهل را جزء خرافات صوفیه به حساب آورده است.

تذکره‌ها یا طبقات رجال صوفیه

— طبقات الصوفیه از ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین بن محمد بن موسی ازدی سلمی (م ۴۱۲ق). این کتاب کهن‌ترین تذکره موجود صوفیه است که در اواخر قرن چهارم هجری تدوین شده است و ظاهراً به نوعی تکمله تاریخ الصوفیه خود سلمی است که اکنون در دست نیست. یقیناً سلمی اولین تذکره‌نویس صوفیه نیست، بلکه پیش از او بزرگانی بدین کار اهتمام داشته‌اند؛ زیرا او خود از آثاری چون طبقات النساء ابوسعید ابن الاعرابی (م ۳۴۱ق) و أخبار الصوفیه و الزهاد ابوبکر زاهد نیشابوری (م ۳۴۲ق) و جز آن استفاده کرده است (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰۲، ص ۱۲۸؛ ابن اثیر، اللباب، ج ۱، ص ۴۹). این کتاب اختصاص به شرح حال ۱۰۵ تن از عرفای قرنهای سوم و چهارم هجری دارد و به ندرت شرح حالی از رجال قرن دوم در آن موجود است. سلمی در آغاز مختصری در شرح احوال سهل آورده است؛ شاید بتوان گفت دقیق‌ترین قول را درباره ارتباط سهل با ذوالنون طی این عبارت بیان کرده است: «شاهد ذوالنون المصری سنة خروجه الی الحج بمکة»، به خلاف کسانی که قائل به مصاحبت سهل با ذوالنون و حتی شاگردی نزد وی شده‌اند. او همچنین ۲۸ جمله از اقوال سهل را با ارائه دقیق اسناد و سلسله راویان نقل می‌کند که از فواید آن، علاوه بر اصالت، این است که فهرست قابل توجهی از اصحاب و شاگردان سهل به دست می‌آید و آنچه اعتماد بر این کتاب را دوچندان می‌کند، اینکه اغلب منابع مهم قرن پنجم مانند رساله قشیریه، حلیه الاولیا و طبقات الصوفیه انصاری (ج ۱، ص ۲۰۶-۲۱۱) بر این کتاب تکیه دارند.

— حلیه الاولیاء از ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ق). این کتاب مشتمل بر شرح حال و اقوال مأثور تقریباً ششصد نفر از زهاد و عرفا است که تألیف آن در ۴۲۲ق پایان یافته است. او انبوهی از سخنان سهل را از منابع کتبی و شفاهی گرد

آورد. منابع کتبی وی عبارت‌اند از: کتاب عبدالجبار بن شیر یاز نهرجوطی، *اللمع سراج*، *طبقات الصوفیة سلمی*. و منابع شفاهی وی نه نفر از اصحاب سهل‌اند که معمولاً با یک یا دو واسطه از آنها نقل می‌کند. بخش مهمی از اقوال سهل را نیز به روایت از پدرش نقل می‌کند. او شرح حال سهل را از *طبقات الصوفیة سلمی* نقل کرده است. ابونعیم در نقل اقوال و اسناد روایت، اعم از کتبی و شفاهی، به‌غایت دقیق است و همین دقت اتقان و اعتبار کتابش را افزون می‌کند. او یقیناً از میان انبوه اطلاعاتش راجع به سهل فقط بخشی را برگزیده است. در *حلیة الاولیا* پس از شرح حال سهل تستری، ترجمه سهل بن عبدالله الفرحان اصفهانی (م ۲۷۶ق) را آورده و برای جلوگیری از اشتباه شدن دو سهل، صفت زاهد را به تستری می‌افزاید.

از مطالب درخور تأمل کتاب اینکه قول مشهور «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را که منسوب به امام علی (ع) است به سهل نسبت می‌دهد و می‌گوید که کسی از سهل درباره این قولش سؤال کرد که او پاسخی داد (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۰۸) و نیز «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» (همان، ص ۲۰۰).

— *طبقات الصوفیة* از خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ق) (ص ۱۳۳-۱۳۶). این کتاب نخستین طبقات صوفیه به زبان فارسی است و نباید تصور کرد که خواجه در این کتاب صرفاً تکیه بر *طبقات سلمی* داشته است، بلکه با تأکید بر اینکه *طبقات سلمی* از منابع اصلی انصاری بوده، باید گفت که *طبقات انصاری* ترتیب متفاوتی با *طبقات سلمی* دارد. دیگر اینکه انصاری مطالب فراوانی مأخوذ از منابع کتبی، که ده‌تای آنها در متن *طبقات مذکور* است، و همچنین اطلاعات شفاهی که از صاحبان و مشایخ خود در خاطر داشته و در *طبقات سلمی* نیست، به این کتاب افزوده است. او شرح حال سهل را در *طبقة ثانیة* آورده است. مأخذ اصلی وی در ترجمه سهل همان *طبقات سلمی* است و چون از کتب املایی خواجه است، به هنگام نقل اقوال دقتی در اسناد ندارد. برخی اقوال سهل در این کتاب را می‌توان در *اللمع سراج*، *تهذیب الاسرار* خرگوشی و *حلیة الاولیا* دید و گویا به آنها مراجعه داشته است. گوید: ریاضت سهل شصت ساله بوده و این به خلاف تصریح قشیری در رساله است (ص ۴۰) و نیز یافعی در *مرآة الجنان* (ج ۲، ص ۲۰۱) که سالهای ریاضت وی را بیست می‌داند. انصاری، به خلاف اکثر منابع، وفات سهل را ۲۷۳ق می‌داند؛ ولی قرآنی بر بطلان آن موجود است: یکی اینکه ابویوسف احمد بن محمد بن قیس سجزی در سال

۲۷۵ق تفسیر سهل را نزد او می‌شنود (مقدمه تفسیر)، و دیگر اینکه ابونعیم در *حلیة الاولیا* (ج ۲، ص ۱۰) در ترجمه سهل بن عبدالله فرحان اصفهانی تاریخ وفات وی را ۲۷۶ق اعلام و تصریح می‌کند که پیش از سهل وفات کرده است.

— مناقب الأبرار و محاسن الاخیار از ابن خمیس موصلی (م ۵۲۲ ق). این کتاب بر اساس رساله قشیری تألیف شده و ترجمه سهل در این کتاب خلاصه‌ای است از طبقات سلمی و رساله قشیری (باورینگ ۱۹۸۰: ۳۶).

— *صفة الصفوة* از عبدالرحمن ابن الجوزی (۵۱۰-۵۹۷ ق). کتابی است مشتمل بر احوال و اقوال بزرگان زهاد و صوفیه. مؤلف ذیل عنوان «من اصطفی من أهل تستر» اقوالی از سهل را به نقل از *حلیة الاولیا* و برخی را با استناد به خویش نقل کرده است. او همچنین از گوسفندی سخن می‌گوید که به نزد سهل می‌آمد تا شیرش را بدوشد. در پایان نیز ترجمه مختصری از سهل آورده است. از مهم‌ترین اقوالی که نقل می‌کند، این است که سهل مجالس علما را همپایه مجالس انبیا می‌دانست (ج ۴، ص ۶۴-۶۶).

— *تذکرة الاولیاء* از فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری (م ۶۲۷ ق). عطار این کتاب را در اواخر عمر براساس *طبقات الصوفیه انصاری* (م ۴۸۱ق) تألیف کرد. وی در شرح حال سهل مطالبی را از *رساله قشیری* و *حلیة الاولیا* به مطالب انصاری افزوده و چندین بار نیز در شرح حال دیگران از سهل یاد کرده است.

— *سیر اعلام النبلاء* از شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م ۷۴۸ق). از منابع نسبتاً متأخر، ولی مبتنی بر متون کهن، و قابل اعتماد است. چند نفر از اصحاب سهل که ذهبی از آنها روایت می‌کند، عبارت‌اند از: ابومحمد الجریری، عباس بن عصام، محمد المنذر الجهیمی، عمر بن واصل العنبری، ابن درستویه (صاحب سهل). او ترجمه سهل را بیشتر به نقل از *حلیة الاولیاء* ابونعیم و *طبقات الصوفیه سلمی* آورده است. این قول سهل که با «أصولنا سته...» آغاز می‌شود، با عباراتی افزون از دیگر منابع نقل کرده است. همچنین به نقل از *ذم الکلام هروی* (م ۴۸۱ق) و علی بن الحسین الدیقی، اقوالی را از سهل نقل می‌کند که نشانگر اهتمام سهل به امر کتابت حدیث است.

در آخر، ذهبی ۲۷۳ق را به عنوان تاریخ وفات سهل ناصواب و ۲۸۳ق را صحیح می‌داند، و این دقیقاً به عکس اظهار نظر هروی در *طبقات الصوفیه* (ص ۱۳۳) است.

(ذهبی، سیر، ج ۱۳، ص ۳۳۰-۳۳۲).

همو در کتاب دیگرش *تذکرة الحقاظ* (ج ۲، ص ۶۸۵) ذیل ترجمه ابن خراش شیعی (م ۳۸۱ق) به مناسبت وفات سهل در آن سال از او با عنوان «شیخ الصوفیه» یاد می‌کند.

— *مرآة الجنان و عبرة الیقظان* از عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد یافعی (م ۷۶۸ق). کتابی تاریخی و تراجمی است که حوادث تاریخی بالأخص و فیات اعلام را به ترتیب سنوات بیان کرده است. او شرح حال سهل را ذیل حوادث سال ۲۸۳ق — که سال وفات اوست — آورده است. این شرح حال حاوی نکته جدیدی نیست و اغلب برگرفته از *رسالة قشیریه و حلیة الاولیا* است. حکایت یعقوب لیث و سهل که اولین بار در *حلیة الاولیا* آمده، در اینجا (ج ۲، ص ۲۰۰) قدری متفاوت است.

روض الریاحین فی مناقب الصالحین. از دیگر تصانیف یافعی است مشتمل بر پانصد حکایت از صوفیان با اقوال و اشعار مناسب که برخی از آن حکایات مربوط به سهل است و نسخه‌ای خطی از این کتاب مورخ ۲ ربیع‌الآخر ۱۲۶۱ق به شماره ۱۶۱۶۰ در کتابخانه مجلس موجود است، منتخبی از کتاب نیز در *هامش قصص الانبیای* ثعالبی بدون ذکر تاریخ، در مصر چاپ شده است (ظاهراً اوایل قرن چهاردهم) که مجموعاً پنج حکایت از سهل در آن وجود دارد؛ البته یکی از آنها به «عبدالله تستری» نسبت داده شده که مقصود باید همان سهل باشد. باورینگ (۱۹۸۰: ۳۹) در نقد این کتاب گوید: «یافعی برخی سخنان و حکایات را به سهل نسبت داده که در منابع کهن تر دیده نمی‌شود.» باید گفت نظر به اینکه یکی از حکایات این کتاب «مکالمه خرس با سهل» است که در *مصارع‌العشاق سراج از بهجة‌الاسرار* ابن جهضم (م ۴۱۴ق) نقل شده، و نیز اینکه شیوه و سیاق حکایات و غرابت از همان دست است که ذهبی در *سیر اعلام النبلاء* (ج ۱۷، ص ۲۷۵) به خاطر آنها بر ابن جهضم خرده گرفته است، می‌توان احتمال داد که منبع یافعی در نقل این حکایات غریب همان *بهجة‌الاسرار* بوده است (نک: یافعی، منتخب، ص ۲۲۳-۲۲۷).

— *طبقات الاولیاء* از ابن الملقن سراج‌الدین عمر بن علی المصری (م ۸۰۴ق). شرح حال سهل در این کتاب منحصر به ترجمه ای مختصر و چند حکایت از کرامات اوست؛ از جمله حکایتی غریب مشتمل بر مسلمان شدن یک زرتشتی و جانشینی وی بعد از سهل (باورینگ ۱۹۸۰: ۳۸).

— *نفحات الانس* از نورالدین عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ ق). این کتاب در واقع تحریر دیگری از *طبقات الصوفیه انصاری* (م ۴۸۱ ق) است با افزوده‌هایی از منابعی چون *حلیه الاولیا*، *رساله قشیریه*، *روض الریاحین* یافعی و جز آن و نیز اطلاعات شخصی و مشاهدات عینی مؤلف. جامی تألیف این اثر را در ۸۸۱ ق تمام کرده است. شرح حال سهل در *نفحات* بیشتر همان مطالب *طبقات انصاری* است و مختصری نیز از *تذکره الاولیای عطار نیشابوری*.

در پایان ترجمه سهل، کرامتی را از او نقل می‌کند حاکی از ریش درآوردن امردی به دعای سهل؛ همین مطلب در یکی از منابع به یکی از مجانبین نسبت داده شده است (جامی، *نفحات*، ص ۶۶-۶۷).

— *الطبقات الکبری* از عبدالوهاب شعرانی (م ۹۳۷ ق). او در این کتاب مدخلی را به سهل اختصاص داده و بخش قابل توجهی از اقوال وی را نقل کرده است. از جمله مطالب تازه این کتاب که دیگر منابع تاکنون دیده نشده است، اشاره به یکی از مشایخ سهل به نام «خالد» است که هویت او معلوم نیست. از مضامین مهم دیگر کتاب مذاکره مبسوطی است که ابوزکریای ساجی و عبدالله زیبری بر سر ادعای ولایت سهل در مکه با او داشته‌اند. شعرانی اشتبهاً تاریخ ملاقات سهل و ذوالنون مصری در سفر حج را ۲۷۳ ق ذکر کرده است؛ حال آنکه به شهادت منابعی چون *تاریخ بغداد* (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۸، ص ۳۹۷) و *حلیه الاولیا* (ابونعیم، *حلیه*، ج ۹، ص ۳۶۲) ذوالنون به سال ۲۴۵ ق یعنی ۲۸ سال قبل از تاریخ مذکور در گذشته است (شعرانی، *طبقات*، ج ۱، ص ۶۶-۶۸).

— *الانوار القدسیه* اثر دیگر شعرانی (م ۹۳۷ ق) است که در هاشم همان *الطبقات الکبری* به چاپ رسیده است. وی در این کتاب فقط برخی از اقوال سهل را نقل کرده است.

— *طبقات المفسرین* از شمس‌الدین محمدبن علی داودی (م ۹۴۵ ق). او در این کتاب سهل را در شمار مفسرین ذکر کرده ولی مع‌الاسف فقط عنوان سهل در کتاب درج شده و ذیل آن چیزی نوشته نشده است و ظاهراً در نسخه‌ای که پایه چاپ بوده چنین بوده است.

— *مجالس المؤمنین* از قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ ق). آنچه در شرح حال سهل آورده، برگرفته از *رساله قشیریه* و *حلیه الاولیا* است. داستان شفای یعقوب لیث به واسطه سهل را به گونه‌ای تقریباً متفاوت نقل کرده که منبع آن معلوم نشد. همچنین

مشاهده خود از خانه سهل و مزار مادر او را گزارش کرده است. قاضی در پایان بحث، قولی از سهل را به نقل از تذکره ابن عراق (نورالدین علی ابن عراق) آورده و با استدلالات مبسوط پیرامون آن و قراین کلام، تشیع وی و اعتقادش به صاحب الزمان (عج) را اثبات می‌کند و تأکید دارد که تعبیر وی از سلطان در جمله «السلطان هو القطب لولا القطب ما درات الریح الخ» همانا صاحب الزمان (عج) است و لا غیر. وی همچنین به مناسبت نام بایزید از علو مقام سهل سخن گفته است (شوشتری، مجالس، ج ۲، ص ۳۳).

— سفینه الاولیاء از محمد داراشکوه (م ۱۰۶۹ق). تذکره‌ای است فارسی در شرح حال بزرگان زهد و تصوف و از خلفای راشدین تا زمان مؤلف را در برمی‌گیرد. مؤلف حنفی مذهب است و سخت به معتقدات خود پایبند. وی سهل را یک صوفی حنفی مذهب می‌داند و در آنجا به مناسبت، سطوری در باب مذهب سهل نگاشته است. یکی از مؤیدات قول داراشکوه، کلامی است که کوپریلی زاده (م ۱۳۲ق) در کتاب کلمات سهل بن عبدالله التستری و مناقبه^۲ از سهل نقل می‌کند: «سئل سهل: متى يعلم الرجل انه على السنة والجماعة؟ قال: إذا عرف من نفسه عشر خصال: فلان و فلان و لا یتک المسح علی الخفین...» هرچند شافعی نیز به مسح خف جواز داده، اما تأکید بر آن بدین شیوه که از سهل نقل شده از منفردات حنفیه است. چنان‌که حنفیه حدیثی از عایشه نقل می‌کنند، حاکی از طعن در آنکه به مسح خف معتقد نیست؛ برای تفصیل می‌توان به صلاة مسعودی مراجعه کرد. اما قاضی نورالله در تعلیقه‌ای که خود بر مجالس المؤمنین نوشته (به گفته محدث ارموی در تعلیقات فردوس، ص ۱۹۰) تصریح دارد که اهالی شوشتر قبل از رواج تشیع، همگان بر مذهب شافعی بوده‌اند و حنفی بودن اهالی شوشتر را که مورد ادعای صاحب نزهة القلوب است رد می‌کند همچنان که داعی رازی نیز در تبصرة العوام صریحاً اهالی خوزستان را شافعی معتزلی می‌خواند.

— خزینة الاصفیاء از غلام سرور لاهوری. تذکره‌ای است در شرح حال عارفان و زهاد از صدر اسلام تا زمان مؤلف و بخش قابل توجهی از آن تراجم مربوط به عرفا و صوفیه شبه‌قاره هند است. باورینگ (۱۹۸۰: ۴۱) گوید: «بیشتر این کتاب مبتنی بر

کتاب سفینه‌الاولیای داراشکوه (م ۱۰۶۹ق) است. وی تصریح به حنفی بودن سهل دارد و حکایات جالبی را در باب سهل آورده که در منابع شایع کمتر دیده می‌شود. وی می‌گوید: سهل ولی مادرزاد بوده است و می‌فرموده: وقتی که حق تعالی «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» فرمود و من «بلی» گفتم را به یاد دارم.

حکایت یعقوب لیث را شبیه آنچه در مجالس‌المؤمنین آمده، ثبت کرده است و تفاوت‌هایی با این داستان در دیگر منابع دارد. همچنین گوید که سهل به‌غایت به سماع اهمیت می‌داده است. داراشکوه حکایت غریبی از سهل آورده که می‌گوید: چون سهل در مرض وفات بود، مریدان از او درخواست تعیین جانشین کردند. پس او گبری از گبرکان شوشتر به نام «شاد دلگیر» را به عنوان جانشینی خود معرفی کرد. او نیز پس از وفات سهل به منبر رفته اظهار اسلام نمود و به ارشاد و دستگیری پرداخت. ظاهراً منبع این حکایت طبقات‌الاولیای ابن ملقن (م ۸۰۴ق) باشد. مؤلف در پایان، ماده‌تاریخ وفات سهل را به هر دو روایت ۲۷۳ و ۲۸۳ق به نظم فارسی درآورده است (ج ۲، ص ۱۶۲-۱۶۵).

۱۷. *روضات الجنات* از سید محمدباقر بن زین‌العابدین موسوی خوانساری (م ۱۳۱۳ق). شرح حال تستری در این کتاب اغلب برگرفته از رساله قشیریه و اندکی از *وفیات الاعیان* ابن خلکان است. اشارتی نیز به قول ذهبی (م ۷۴۸ق) در سیر *اعلام النبلاء* درباره تعیین تاریخ فوت سهل دارد. مؤلف بخش پایانی شرح حال سهل را به نقد کلام او اختصاص می‌دهد و موارد مخالفت کلام او با نصوص شرعی را روشن می‌کند و او را به سبب تجدید مراسم رهبانیت که در اسلام منسوخ اعلام شده، و روزه وصال و نیز به سبب تصریح وی بر ترک روایت از ائمه معصومین (ص) با استدلالی که به توهین اهل‌البیت (ص) می‌انجامد، به شدت نکوهش می‌کند. قابل توجه اینکه وی در پایان، به نقل از برخی بزرگان، مزار سهل را در شوشتر می‌داند و این به خلاف تصریح ابن بطوطه (*سفرنامه*)، ج ۱، ص ۱۹۸) است که گوید قبر سهل را در مزارات بصره دیده که بر سنگ قبرش نام و تاریخ وفات او حک بوده است. ظاهراً ایشان مزار مادر سهل در شوشتر را که قاضی نورالله در *مجالس المؤمنین* (ج ۲، ص ۳۳) از آن یاد می‌کند، قبر خود سهل فرض کرده است (نک: خوانساری، *روضات*، ج ۴، ص ۹۳).

تواریخ و کتب جغرافیایی و آثار مربوط به آن

۱. *الانساب* از عبدالکریم بن محمد سمعانی (۵۰۶-۵۶۲ ق). سمعانی ذیل نسبت «تستری» از سهل تستری یاد و او را ساکن بصره و صاحب کرامات معرفی می‌کند. او فوت سهل را ۲۷۳ ق می‌داند، به خلاف اکثر منابع که ۲۸۳ ق را تاریخ صحیح دانسته‌اند.
۲. *المنتظم* تألیف ابوالفرج عبدالرحمن بن علی جوزی (م ۵۹۷ ق). این کتاب مشتمل بر تواریخ اسلام از صدر آن تا پایان سال ۵۷۴ ق است که اخیراً به تصحیح نعیم زر زور ضمن منشورات دارالکتب العلمیه به چاپ رسیده است. نویسنده ذیل حوادث سال ۲۸۳ ق از مرگ سهل در این سال یاد و قول وفات سهل در سال ۲۷۳ ق را تضعیف می‌کند. او عبارتی را با استناد به خویش از سهل روایت می‌کند.
۳. *معجم البلدان* از یاقوت بن عبدالله حموی رومی (م ۶۲۴ ق). او ذیل عنوان «تستری» به مناسبت، ترجمه کوتاهی از سهل می‌آورد و او را به کرامات می‌ستاید. یاقوت در تاریخ دقیق وفات سهل تردید دارد (نک: یاقوت، *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۸۵۰).
۴. *اللباب فی تهذیب الانساب* از عزالدین ابن الاثیر جوزی (م ۶۳۰ ق). این کتاب تهذیب و استدراکی است بر *انساب سمعانی* (م ۵۶۲ ق). ذیل نسبت «تستری» ترجمه مختصری از سهل آورده که همان اقوال سمعانی در *انساب* است و چیز جدیدی ندارد (ابن اثیر، *اللباب*، ج ۱، ص ۲۱۶).
۵. *الکامل فی التاریخ* اثر دیگر ابن اثیر است. وی در این کتاب ذیل حوادث سال ۲۸۳ ق از وفات سهل در این سال یاد می‌کند. متأسفانه نسبت «تستری» در چاپ مورد استفاده به غلط به صورت «السری» ضبط شده است (نک: ابن اثیر، *الکامل*، ج ۷، ص ۴۸۳).
۶. *وفیات الاعیان* از ابن خلکان (م ۶۸۱ ق) مؤلف شرح حال سهل را تماماً از رساله قشیریه برگرفته و جز نقل تاریخ وفات وی از *تاریخ الکامل* ابن اثیر (م ۶۳۰ ق) و قرار داشتن قبر براء بن عازب، صحابی معرف رسول الله (ص)، در شوشتر مطلب دیگری بر آن نیفزوده و به خلاف گفته باورینگ (۱۹۸۰: ۴۱) که گوید مناظره ابوحاتم سجستانی با سهل در پایان شرح حال سهل در *وفیات* آمده، چنین مناظره‌ای در ترجمه سهل در *وفیات* نیامده است. در باب چگونگی اشتباه باورینگ تحت

عنوان «نقد مقاله باورینگ» سخن گفته‌ایم.

۷. *العبر فی تاریخ من غیر از حافظ ذهبی* (م ۷۴۸ق). مؤلف در ذیل حوادث سال ۲۸۳ق از وفات سهل در محرم این سال یاد کرده است. در چند مورد نیز به مناسبت ذکر اصحاب سهل چون حسین بن منصور حلاج (م ۲۴۴ق)، ابوالحسن علی مزین (م ۳۲۸ق)، حسن بن علی بربهاری (م ۳۲۹ق)، احمد بن سالم بصری (م ۳۶۰ق) از سهل یاد می‌کند و می‌گوید ابن سالم آخرین شاگرد سهل بود و همین ذهبی در ترجمه ابن سالم گوید که در برخی موارد به خلاف سنت عمل کرده است.

۸. *شدالانزار فی مزارات شیراز* از جنید شیرازی (قرن هشتم). این کتاب در شرح حال صاحبان مزارات و قبور شیراز است. از میان صاحبان مزارات در شیراز دو نفر از اصحاب سهل را نام می‌برد و شرح حال مختصری از آنها ارائه می‌دهد: یکی عبدالرحیم بن موسی اصطخری، دیگری احمد بن یحیی شیرازی. در شرح حالی که برای عبدالرحیم اصطخری آورده، تأثیر وی از شیوه سهل در امساک و ریاضت و تأکید بر گرسنگی به خوبی روشن است. همچنین حکایت یعقوب لیث را آن چنان که در *حلیة الاولیا* آمده، در شرح حال یعقوب آورده است.

۹. *البدایة و النهایة* از ابن کثیر (م ۷۷۴ق). ذیل حوادث سال ۲۸۳ق ضمن سخن از مرگ سهل در این تاریخ، ترجمه بسیار مختصری از حال و نمونه اقوال حکیمانه او را می‌آورد (ج ۱۱، ص ۷۴).

۱۰. *رحلة (سفرنامه) ابن بطوطه* (م ۷۷۹ق). ابن بطوطه در زمره مزارات بصره از قبر سهل تستری یاد می‌کند که در جوار قبر حبیب عجمی و مالک دینار قرار دارد. او همچنین در مسیر خود از بصره به ابله از محل عبادت و خلوت سهل یاد می‌کند که کشتی سواران چون مقابل این محل می‌رسیدند، به دعا می‌پرداختند و از آب آن به تبرک می‌آشامیدند. او از بزرگان شوشتر در آن روزگار، به امام شرف‌الدین موسی بن صدرالدین سلیمان اشاره می‌کند که از احفاد سهل و مردی امام و پیشوا بوده و در آن دیار مدرسه داشته است. این امام شرف‌الدین جد اعلای خاندان «شرف‌الدین» شوشتر است که تاکنون در آنجا ساکن‌اند و از این خاندان است مرحوم شیخ مهدی شرف‌الدین عالم و فاضل معاصر خوزستان. قابل ذکر اینکه شجره‌نامه اولاد سهل و خاندان شرف‌الدین نزد این خاندان در شوشتر موجود است.

۱۱. *النجوم الزهره فی ملوک مصر و القاهرة*. اثر ابن تغری بردی اتابکی (۸۱۳-۸۷۴)

ق). مؤلف به مناسبت وقایع سال ۲۸۳ق در کنار جماعتی از بزرگان که در این سال وفات کرده‌اند، از سهل تستری نام می‌برد (ج ۳، ص ۹۸).

۱۲. *شذرات الذهب* از عبدالحی ابن العماد حنبلی (م ۱۰۸۹ق). تاریخ معروفی است به ترتیب سالهای تاریخ هجری. شرح حال و سال فوت سهل را ذیل حوادث سال ۲۸۳ق آورده است. مختصری از شرح حال سهل و اقوال او را از *طبقات الصوفیة سلمی و حلیة الاولیا* نقل کرده است. در پایان نیز مناظره سهل و ابلیس را به نقل از *باغة الغواص* ابن عربی (م ۶۳۸ق) می‌آورد که عاقبت سهل اقرار می‌کند که شیطان مرا مجاب کرد (ج ۱، ص ۱۸۴).

۱۳. *فردوس اثر علاءالملک بن قاضی نورالله مرعشی شوشتری* (قرن یازدهم). کتابی است در تواریخ شوشتر و تراجم رجال آن. کلیه مطالبی که در شرح زندگی سهل آورده تلخیص و اقتباسی است از شرح حال سهل در *مجالس المؤمنین*، و فقط یک جمله در تاریخ وفات وی و چند نقل قول را بر آن افزوده است. در پایان (ص ۴۸) نیز چند جمله از اقوال سهل را که قاضی نورالله از *تذکرة ابن عراق* نقل و با استناد به آن اقوال، در اثبات تشیع سهل استدلال کرده، با حذف استدلالات قاضی نورالله نقل کرده است.

۱۴. *تذکرة شوشتر* از سید عبدالله جزایری شوشتری (م ۱۱۷۳ق). مؤلف در فصل ششم کتاب که برخی از مزارات قدیم شوشتر را معرفی کرده، از جمله ابنیه این شهر کهن که در زمان مؤلف بیرون از محدوده آن بوده، از خانه سهل و خانه مادر او نام می‌برد و ظاهراً مقصود وی از خانه مادر سهل همان مزار مادر او است که به قول محمد (؟؟) شرف‌الدین در *تاریخ شوشتر* (مخطوط) چون مادرش فوت کرد، سهل او را به اندازه صد قدم از معبد خود پایین آورده، اطاقی درست کرد، سنگبری نمود، مادر خویش را در آن دفن کرد. متأسفانه در سالهای اخیر ناهلان، به طمع گنج، قبر او را شکافته، استخوان او را بیرون انداخته‌اند؛ ولی فعلاً آن اطاق هست. از دیگر قبوری که جزایری یاد می‌کند، بقعه شیخ محمد سوار، دایمی سهل، است که در جوار مسجد ملا محمد نجار (مسجدالحسین) قرار دارد (نک: مرعشی، *فردوس*، ص ۱۸۹-۱۹۰).

۱۵. *بضاعة مزجاة* از سید عبدالحسین بن عزیزالله جزایری شوشتری (قرن سیزدهم). رساله مختصری است در تاریخ و جغرافیای شوشتر و دزفول. مؤلف از نوادگان سید

نعمت‌الله جزایری (م ۱۱۱۱ق) است و در نیمه اول قرن سیزدهم هجری می‌زیسته است. او شرح حال مختصری از سهل نگاشته که بیشتر برگرفته از مجالس المؤمنین قاضی نورالله (م ۱۰۱۹ق) است؛ چند کلامی نیز از معجم‌البلدان نقل کرده است. نسخه خطی این کتاب به شماره ۷۰ سرود در کتابخانه مجلس موجود است.

۱۶. دیار شهرباران از احمد اقتداری. وی در معرفی مزارات و بقاع شوشتر گور مادر سهل را ذکر کرده، گوید: در اراضی معروف به «صحرای گرگر» بر تپه‌ای مشرف به چشمه سوزنگر^۳ واقع است. اطلاعات وی برگرفته از فردوس علاءالملک مرعشی، بضاعة مزجاة، و تذکره شوشتر است و متضمن نکته تازه‌ای نیست. همچنین ایشان از یادداشتهای شخصی آقای محمدمهدی شرف‌الدین نقل می‌کند که گور مادر سهل علی‌رغم مشهور که در صحرای گرگر واقع است آنجا نیست، بلکه در محلی است که به نام «توکمری» شهرت دارد؛ یعنی اطافی که در کمر کوه واقع است (نک: اقتداری ۱۳۵۳: ۱/۵۵۶-۵۵۷).

۳. تلفظ شوشتری «سوزنگر» است.

پژوهشهای سهل‌شناسی از قدیم تا به امروز

در این بخش به معرفی و بررسی نقدگونه تحقیقاتی می‌پردازیم که از قدیم تا به امروز پیرامون سهل صورت پذیرفته است.

۱. *المعارضه والرد علی أهل الفرق والدعاوی فی الاحوال*، تألیف ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله صقلی زاهد قیروانی. سمعانی (الانساب، ص ۳۵۴) وفات وی را ۴۲۳ق و بغدادی (هدیة العارفین، ج ۱، ص ۵۱۴) آن را ۳۸۰ هجری تعیین کرده‌اند که قول اول مرجح است. تاکنون یک نسخه از این کتاب شناخته شده که ضمن مجموعه خطی شماره ۷۲۷ (گ ۲۰۵-۲۴۳) کتابخانه کویریلی استانبول موجود است. در فهرست کل این مجموعه که به نام «کلام سهل» شناخته شده و مشتمل بر سه عنوان است: کلام سهل، الشرح و البیان (از همین صقلی)، المعارضه والرد (رمضان شش ۱۴۰۶: ۱/۳۵۱).

این اثر یکی از مهم‌ترین و معتبرترین مصادری است که در باب افکار سهل و سلوک وی سخن گفته و نظر به فاصله کم زمانی مؤلف با سهل، می‌توان حکم به اصالت متن داد. ظاهراً صقلی در سفر مکه کلام سهل را نزد برخی صوفیه سماع کرده است که به واسطه به سهل متصل می‌شود: یکی ابوالقاسم عبدالعزیز علی خیاط، و دیگری، احمد بن محمد بن سالم. همچنین بعید نیست که صقلی در مکه ابن سالم (پسر) را ملاقات کرده باشد؛ هرچند به واسطه از او سماع داشته باشد. این اثر مشتمل بر گزیده‌هایی از اقوال سهل است که غالباً منقول از ابن سالم و بعضاً از دیگران است. از

عنوان کتاب برمی آید، که باید دربارهٔ اختلاف عرفا در موضوع احوال روحانی این جماعت باشد؛ ولی فی الواقع علاوه بر موضوع مذکور، بخشی از کتاب در نقد آرای فرق کلامی، مانند قدریه و مرجئه است و باقی کتاب مختص مسائل صوفیانه و نقد برخی رویکردها و عادات فرق صوفیه. این کتاب قابل قیاس است با کتاب *التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع* اثر محمدبن احمد ملطی (م ۳۷۷ق) که به تصحیح سید عزت العطار به چاپ رسیده است.

قابل توجه اینکه صقلی صد سال بعد از فوت سهل، این کتاب و کتاب دیگرش *الشرح و البیان*، را در قیروان (غرب عالم اسلام) در باب آرای سهل تألیف کرده و این بیانگر پهنه نفوذ آرای سهل است که چه سریع مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است؛ البته مکه مکرمه را هم به عنوان محل التقای علما، زهاد و صوفیه جهان اسلام و مرکز انتقال آرا نباید نادیده گرفت.

بحثی در اعتبار و اصالت کتاب المعارضه

از شواهد متقن اصالت این کتاب راویانی اند که اقوال آنها در این کتاب نقل شده است و اینان یا معاصر سهل اند یا به فاصله کمی بعد از سهل می زیسته اند؛ این گروه اخیر از معاصران ابن سالم (پسر) به شمار می آیند.

دسته اول عبارت اند از: ابوبکر بن زقاق (م ۳۹۰ق)، ابوالحسن علی بن محمد المزین (م ۳۲۸ق)، ابویعقوب اسحاق بن محمد نهرجوری (م ۳۳۰ق)، ابومحمد جعفر بن نصیر بن قاسم خواص بغدادی خلدی، و عمر بن واصل غیری. و دسته دوم که همان معاصرین ابن سالم اند: ابوالحسن علی بن احمد بن عبدالله طرسوسی (م ۳۸۲ق)، و ابوسعید اصطخری (م ۳۸۴ق). کمال جعفر این اثر را به انضمام کلام سهل، و *الشرح و البیان* از صقلی یادشده در بالا، از روی نسخه کویریلی که ذکر شد، تصحیح انتقادی کرده و در مجموعه *من تراث الصوفی* به چاپ رسانده است.

۲. *الشرح و البیان لما أشکل من کلام سهل* از عبدالرحمن صقلی (م ۴۲۳ق). مؤلف ضمن گردآوری سخنان مفصل سهل به شرح و تفسیر آنها می پردازد و در بیانات خود از سهل و آرای وی به شدت دفاع می کند. شارح جملات تفسیری و تعلیقه گون خود را تحت عنوان «قال عبدالرحمن» به بیانات سهل می افزاید. برخی از این

جملات عیناً در رساله کلام سهل که اول در مجموعه کویریلی واقع است، آمده است. او در شرح خود اعتماد و تکیه تمام بر اقوال ابن‌سالم (م ۳۶۰ق) و ابوطالب مکی دارد در عین حال بیانات خود او حاکی از تزلزل و بصیرت تمام وی به آرای سهل است. این اثر به لحاظ قرابت زمانی مؤلف با سهل و ارتباط وثیق وی با شاگردان مکتب سهل، از مصادر مهم شناخت آرای سهل به شمار است؛ به‌ویژه که قسم مهمی از تصانیف منسوب به سهل امروز در دست نیست.

تاکنون به دو نسخه از این کتاب دست یافته‌ایم: یکی در مجموعه شماره ۷۲۷ کتابخانه کویریلی (رمضان ششن ۱۴۰۶: ۳۵۱/۱) استانبول که از برگ ۱۵۳ تا ۲۰۵ را شامل می‌شود و کاتب آن عطاءالله نوعی‌زاده قاضی به تاریخ ۱۰۴۴ق در شهر اسکوب از کتابت آن فارغ شده است. دیگری نسخه‌ای است از قرن هفتم هجری به شماره ۱۶۲۲ در کتابخانه اسعد افندی (رمضان ششن ۱۴۰۰: ۴۳/۳) مشتمل بر ۴۲ برگ (۸۴ صفحه). محمدکمال جعفر (محمدکمال ۱۹۷۴: ۱/ ۸۲-۸۳) گوید: این دو نسخه را با هم مقایسه کردم، اختلافی نداشتند. او این اثر را با استفاده از دو نسخه مزبور تصحیح و تحقیق کرده و در مجموعه من تراث التستری الصوفی به چاپ رسانده است.

جالب اینکه فؤاد سزگین در تاریخ التراث العربی (۴/ ۱۲۹-۱۳۰) تحت عنوان تفسیر سهل از کتاب الشرح و البیان صقلی (م ۴۲۳ق) نام می‌برد، آن را به عنوان شرح یا تعلیقه‌ای بر تفسیر مذکور قلمداد می‌کند؛ حال آنکه چنین نیست و اساساً ارتباطی به تفسیر ندارد.

۳. کلمات سهل بن عبدالله التستری و مناقبه. مؤلف این اثر نعمان پاشا بن مصطفی پاشا معروف به کویریلی‌زاده (م ۱۱۳۲ق / ۱۷۱۹م) از وزرای فاضل دولت عثمانی در قرن دوازدهم هجری است. فهرست‌نویس کتابخانه کویریلی (رمضان ششن ۱۴۰۶: ۷۲/۳؛ ۴۶۲/۲؛ ۳۵۲/۱) از پدر وی «مصطفی پاشا» با اوصاف «الصدر الشهید» یاد می‌کند که حکایت از وزارت او نیز دارد. تاکنون از این مؤلف دو اثر شناخته‌ایم: یکی همین کلمات سهل که درباره آن سخن خواهیم گفت؛ دیگر رساله العدل که نوشته مختصری است در بیان احوال خضر(ص) که ولی‌الدین جاراالله بن مصطفی بن علی رومی حنفی (م ۱۱۵۱ق) شرحی بر آن نگاشته است. دو نسخه از این رساله در کتابخانه کویریلی

موجود است: یکی در مجموعه شماره ۱۲۲ به انضمام شرح مذکور و دیگر به شماره ۱۴۸. و اما کلمات سهل، این کتاب با عنوان کامل کلمات سهل بن عبدالله التستری و مناقبه کتاب مختصری است به منزله مقامات سهل که مؤلف در آن اقوال و کرامات منسوب به سهل را از شش منبع، که در دیباچه نام آنها را یاد کرده، گردآوری و تدوین کرده است و این شش کتاب عبارت‌اند از: *الشرح و البیان لما أشکل من کلام سهل* از عبدالرحمن بن محمد صقلی (م ۴۲۳ق)، *قوت القلوب* ابوطالب مکی (م ۳۸۶ق)، *الرساله القشیریة* از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری (م ۴۶۵ق)، *مصارع العشاق* از ابوبکر محمد بن جعفر سراج (م ۳۷۵ق)، *صفة الصفوة* از ابوالفرج ابن الجوزی (م ۵۹۷ق)، *عوارف المعارف* از شهاب‌الدین عمر سهروردی (م ۵۳۹ق). لازم به ذکر است که تمام مآخذ مزبور چاپ شده‌اند و امروزه در دسترس قرار دارند و از این لحاظ این کتاب مزیت ویژه‌ای ندارد؛ جز اینکه غالب اقوال و کرامات سهل را یکجا گردآورده و محقق را تقریباً از یافتن حجم زیادی از اقوال سهل بی‌نیاز کرده است. باری این رساله بدون تقسیم‌بندی صریح و روشن مشتمل بر دو قسم است: بخش اول مشتمل بر اقوال سهل است که بی آنکه مآخذ اقوال مشخص شود، یکجا گردآوری شده است. برخی از اقوال سهل را نیز — که مؤلف نیاز دانسته — به اختصار آورده است. بخش دوم مشتمل بر کرامات منسوب به سهل است که هر کدام را مستند به ذکر منبع و تصریح به نام راوی آن می‌کند. این کلمات بالغ بر هجده عدد است که هفده‌تای آن از مآخذ مذکور گرفته شده و هجدهمی آن بیتی است از *منظومه شاطبیه* و حاکی از این است که قبر سهل همیشه خوشبو و معطر است. او بیت مزبور را در پایان رساله نقل می‌کند.

تاکنون چند نسخه از این کتاب شناخته‌ایم که عبارت‌اند از:

۱. نسخه کتابخانه کوپریلی (قسم عربی) شماره ۱۲۱. این نسخه به خط نسخ مشتمل بر ۶۹ برگ ۲۰×۱۳/۷، هر صفحه نوزده سطر، تاریخ کتابت نسخه ۱۱۰۰ق است و در حیات مؤلف (۳۲ سال پیش از وفات وی) کتابت شده است. از امتیازات نسخه این است که در تملک فرزند مؤلف ابوالخیر حاج احمد کوپریلی زاده بوده و گواهی تملک وی مورخ ۱۱۴۰ق در برگ سوم نسخه دیده می‌شود.
۲. نسخه دانشگاه استانبول (قسم عربی) شماره ۴۰۸۹. این نسخه از قرن دوازدهم و

مشمول بر ۳۴ برگ است.

۳. نسخه کتابخانه اسعد افندی به شماره ۴۷۲۷/۳ (کتابخانه مرعشی قم، شماره ۹۳۰۷) مشتمل بر ۷۳ برگ ۱۵×۱۹/۵. کاتب این نسخه محمد امین بن محمد است که به تاریخ اواخر شعبان ۱۱۳۰ ق از کتابت پرداخته است. نسخه‌ای است خوش خط ولی پرغلط و سقیم.

آغاز: الحمد لله رب العالمین و الصلاة ... هذا کتاب جمعت فيه کلمات الإمام الربانی سهل بن عبدالله التستری و کراماته من کتب الائمة المعترین مثل کتاب الشرح و البیان ... (نک: رمضان ششن ۱۴۰۶: ۷۲/۳؛ ۴۶۲/۲؛ ۳۵۲/۱؛ رمضان ششن ۱۴۰۰: ۴۳/۳؛ مختارات من المخطوطات العربیه فی ترکیا، ص ۸۲۹).

۴. ظاهراً نخستین مستشرق و محقق معاصری که پیرامون سهل به تحقیق پرداخته، لویی ماسینیون است که مقاله مختصری در *دائرة المعارف اسلام* درباره زندگی سهل و مبانی فکری او نگاشته است. انصافاً مقالتهی است قلیل الحجم کثیر المعنی. از امتیازات این مقاله استفاده نویسنده از دو اثر کهن صقلی (م ۴۲۳ ق) یعنی *الشرح و البیان*، و *المعارضه و الرد علی أهل الفرق*، که از منابع اصیل و معتبر آرا و نظریات سهل است. نکاتی در این مقاله به چشم می‌خورد که محل تأمل است: یکی اینکه در آغاز مقاله تصریح دارد بر اینکه سهل به عربی می‌نوشته است و سطر بعد تصریح می‌کند که «سهل چیزی ننوشت». ظاهر کلام متناقض است؛ هرچند ظاهراً مقصود وی از اینکه «سهل چیزی ننوشت» این نیست که سهل امی بوده و نوشتن نمی‌دانسته؛ بلکه این است که تألیف منسوب به وی تقریر اقوال وی به وسیله شاگردان اوست. دیگر اینکه از بصره به عنوان تبعیدگاه سهل یاد می‌کند. آیا واقعاً سهل را تبعید کردند یا خود در اثر دلخوری از مردم شوشتر به بصره رفت؟ ظاهراً این قول ماسینیون در اثر استنباط وی از اقوالی است شبیه آنچه روزبهان در شرح *شطحیات* (ص ۳۲) گفته، که سهل بن عبدالله را از تستر براندند، یا آنچه شعرانی در *طبقات* (ج ۱، ص ۱۳) گفته که «أخرجوا سهلاً من بلدة إلى البصرة». ولی از قراین چنین برمی‌آید که آنچه برخی منابع از آن به تبعید سهل تعبیر کرده‌اند، چیزی نیست جز خروج سهل در اثر دل‌آزدگی از فقها و عموم اهالی تستر، چنان‌که گزارش سراج در *اللمع* (ص ۴۹۹) از این ماجرا مؤید است و نیز گزارشهایی چون شفای یعقوب لیث به دست سهل در

حوالی شوشتر (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۲۱۰) و نیز گزارش عطار از خروج سهل از شوشتر و برگشتن وی پس از چندگاه (عطار، تذکره، ج ۱، ص ۲۲۹) خود گواه این است که خروج سهل از شوشتر به اختیار خود او بوده و هرگاه خواسته به آنجا برگشته است.

دیگر اینکه او در پایان مقاله — که مصادر خود را برمی‌شمارد — چون از تفسیر سهل نام می‌برد، آن را تفسیری مجعول می‌داند که به سهل بسته‌اند؛ چنانکه در ترجمه عربی مقاله آمده است: «تفسیر مفتعل» (دایرةالمعارف اسلامیة، ج ۱۲، ص ۳۱۴). و این تعبیر بیانگر عدم اعتماد وی بر تفسیر سهل است در حالی که اولین منبع وی در نوشتن این مقاله همین تفسیر سهل است.

۵. من تراث التستر الصوفی، از مهم‌ترین و جامع‌ترین تحقیقات معاصران پیرامون سهل و میراث فکری، تألیف محمد کمال ابراهیم جعفر، استاد دانشگاه قاهره. این کتاب مشتمل بر سه جلد است که مؤلف در جلد اول مبسوطاً به تحقیق پیرامون زندگانی سهل، آرا و افکار او پرداخته و آثار مکتوب منسوب به سهل و آرا و نظریات دست‌پروردگان مکتب وی را بررسی کرده است. این جلد مشتمل بر چهار باب است: باب اول در شرح حال سهل و ارتباط وی با معاصران، کتابشناسی آثار وی، و بحث مبسوط درباره تفسیر سهل. باب دوم در بررسی افکار و نظریات سهل و تحقیق پیرامون شیوه سلوک او. باب سوم در عقاید کلامی و نظریات خاص سهل در مباحثی چون الوهیت، قدر، نبوت و ولایت، و چگونگی تأثیر سهل بر فرقه سالمیه. باب چهارم مشتمل بر رساله فی الحروف منسوب به سهل و مجموعه اقوال قدما در تعریف تصوف.

مجلد دوم و سوم اختصاصاً مجموعه‌ای است از متون مهم و کهن صوفیه مربوط به میراث فکری سهل و شاگردان مکتب او. مندرجات جلد دوم عبارت است از: ۱. کلام سهل از روی نسخه موجود در کتابخانه کوپریلی (ش ۷۲۷)، ۲. برخی از اقوال پراکنده سهل به صورت تنمیه کلام سهل، ۳. الشرح و البیان مذکور. متأسفانه به مجلد سوم کتاب دست نیافتیم و ظاهراً اولین رساله آن المعارضة والرد علی أهل الفرق همان عبدالرحمن صقلی است.

مؤلف با گردآوردن این مجموعه تحقیقی جامع پیرامون سهل و میراث فکری وی

ارائه داده و با تصحیح و چاپ عناوین یاد شده، منابع اصیل و مطمئن را در اختیار پژوهندگان قرار داده است.

از دیگر تحقیقات جامع و مستند معاصر پیرامون سهل و آرای عرفانی او کتابی است که گرهارد باورینگ به نام نگرش عرفانی به وجود در اسلام سنتی^۶ یا تأویلات قرآنی سهل تستری صوفی تألیف کرده است. وی در این کتاب مبسوط‌ترین و مستندترین تحقیق معاصر را در مورد سهل و آرای وی و شاگردان و تصانیف منسوب به سهل ارائه داده است. او اغلب منابع مربوط به سهل را — از قدیم‌ترین منابع تا تحقیقات مستشرقان معاصر — دیده و اثری مستند و ممتع آفریده است. از جمله ابواب مهم کتاب تحقیق دقیق و موشکافانه‌ای است پیرامون تفسیر سهل. او سرانجام اعتبار و وثاقت این تفسیر را تأیید کرده و از آن، رؤس عقاید سهل راجع به الست، جاودانگی روح یا نفس ناطقه را استخراج کرده است.

مؤلف با تمام دقت و موشکافی‌اش در نقل برخی عبارات از منابع فارسی و درک مطلب آنها دچار خطا شده که محمد دهقانی در مقاله خود موسوم به «پژوهشی درباره سهل بن عبدالله تستری» نمونه‌هایی از آنها را یادآور شده است. علاوه بر این، نکاتی در کتاب به چشم می‌خورد که محل تأمل است:

اولاً مؤلف معتقد است که سهل عربی‌زبان بوده و برای اثبات مدعای خویش دلیلی واهی می‌آورد که چون دایی سهل یعنی محمد بن سوّار ملقب به «سید» بوده، بایستی عرب بوده باشد، پس مادر سهل نیز عرب بوده و زبان او نیز به پیروی از زبان مادر بایستی عربی بوده باشد (باورینگ ۱۹۸۰: ۴۵). حال آنکه قراین مهمی در دست است که این سخن را نقض می‌کند؛ از جمله اینکه احدی از مورخان و جغرافی‌دانان شوشتر را عرب ندانسته‌اند. دیگر اینکه، در منابع مهمی چون *حلیة الاولیا* (ج ۱۰، ص ۲۰۴) مکرر آمده که سهل مخاطبان را با تکیه‌کلام «یا دوست» مخاطب قرار می‌داده و نیز در همان *حلیة الاولیا* (ج ۱۰، ص ۲۱۰) از قول کسی از اصحاب سهل آمده که او را در مسجد جامع دیدم که با گوسفندی به فارسی سخن گفت.

باورینگ به هنگام نقد منابع هم وقتی به *وفیات الاعیان ابن خلکان* می‌رسد،

می‌گوید: وی [ابن خلکان] مناظره ابوحاتم سجستانی با سهل را بر شرح حال سهل — که از رساله قشیریه گرفته است — افزوده است. ولی در *وفیات الاعیان* مورد استفاده (تحقیق محیی‌الدین عبدالحمید) ذیل عنوان «سهل تستری» هیچ مناظره‌ای از ابوحاتم سجستانی یا غیر او نقل نشده، بلکه ذیل ترجمه «ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی» که در *وفیات* بلافاصله بعد از ترجمه سهل قرار گرفته، صورت مناظره او با غلام زیبارویش ثبت شده است؛ ظاهراً در ذهن مؤلف خلطی پیش آمده است. باورینگ همچنین معتقد است که سهل به بصره تبعید شد؛ حال آنکه واقعاً تبعید سهل به بصره مشکوک است و در منابع قرآنی هست حاکی از خروج ارادی سهل از شوشتر به جهت آزدگی از اهل شهر و گهگاه به شوشتر باز می‌گشته است. در این باره به معرفی مقاله ماسینیون مراجعه شود.

او در بخش نقد رسائل صوفیه، در باب *اللمع سراج* (م ۳۷۵ق) چنین اظهارنظر می‌کند که «روایات سراج مبتنی بر منابع شفاهی و کتبی است اما خالی از تکرار نیست و نمی‌توان بر ارزش و درستی آنها تأکید کرد» (باورینگ ۱۹۸۰).

این سخن دور از انصاف است: *اللمع* کتابی است در غایت اعتبار و مؤلفش محقق خبیر است. آیا اینکه قسمی از روایات سراج مبتنی بر منابع شفاهی است، نقص کار او است؟ اساساً کسی که ۹۲ سال بعد از فوت سهل وفات می‌کند، طبعاً بسیاری از پیران را که زمان حیات سهل زنده بوده اند درک کرده و طبیعی است که بسیاری از معارف سهل شفاهاً به دست کسی مانند سراج برسد. و اما ایرادی که بر تکرار مطالب می‌کند نیز وارد نیست؛ زیرا به نظر نگارنده آنچه باورینگ تکرار می‌نامد، واقعاً تکرار محض نیست؛ بلکه به قول بلاغیون تکراری است که مفید فایده است. مثلاً یک جا از قول سهل گوید: «علاقه الفقیر الصادق کذا...» و جای دیگر به مناسبت حکایتی گوید که جمله «علاقه الفقیر الصادق...» را در مجلسی خواندم صوفی‌ای به من چنان گفت.

۷. «سهل تستری» عنوان مقاله‌ای است از باورینگ در *دایرةالمعارف اسلام*، در ویرایش ۱۹۹۵م. او در این مقاله مختصری از زندگی سهل و شاگردان وی را به همراه بحثی پیرامون سالمیه — که میراثداران سهل به حساب می‌آیند — آورده است. او به جز تفسیر سهل و مجموعه اقوال تستری — که به دست عبدالرحمن صقلی (م

۴۲۳ق) گردآوری شده و به شماره ۷۲۷ در کتابخانه کویریلی موجود است — باقی عناوین موجود را — که مشتمل بر مقالات کوتاه منسوب به او است — غیرمهم و جعلی دانسته است. بخش معتناهی از مقاله نیز اختصاص به عقاید سهل دارد. این مقاله گویا برگرفته از کتاب نگرش عرفانی به وجود باشد. او ظاهراً اولین محقق است که موضوع شاگردی سهل نزد ذوالنون را مشکوک اعلام کرده و این سخن او متکی بر قول منابع کهن و معتبری چون *طبقات الصوفیه سلمی* (ص ۲۰۶) و *حلیة الاولیا* (ج ۱۰، ص ۱۸۹) است.

اشکالی که می‌توان بر آن انگشت نهاد، اینکه وی محمدبن احمدبن سالم (م ۲۹۷ق) را جزء شاگردان سهل در شوشتر می‌داند؛ ولی مسلم است که فقط در بصره بوده است چنان‌که انصاری در *طبقات* (ص ۲۵۸) بدین نکته تصریح کرده است. علاوه بر این در هیچ منبعی سخن از اقامت ابن‌سالم (پدر) در شوشتر دیده نشد.

۷. *وجهة کلامی فرقه سالمیه*. عنوان مقالاتی از گلدزیهر که به سال ۱۹۰۷ در مجله آلمانی *ZDMG* به چاپ رسیده است. وی در این مقاله به بررسی عقاید کلامی فرقه سالمیه می‌پردازد. این فرقه به لحاظ نسبت آنها به احمدبن محمدبن سالم بصری (م ۲۹۰ق) به سالمیه مشهور شده‌اند. ابن‌سالم نزدیک‌ترین و مهم‌ترین شاگرد سهل است که شخصیت علمی خویش را مدیون او است و به قول ماسینیون (۱۳۶۲: ۴۲) با گردآوری جوابهای سهل به سؤالات کلامی خود، پایه‌گذار مکتب کلامی سالمیه شد. با توجه به ارتباط تنگاتنگ سهل و ابن‌سهل و ابن‌سالم، عقاید کلامی سالمیه می‌تواند مرجع مطمئنی برای دستیابی به مبانی کلامی سهل باشد. هرچند اساساً علی‌القاعده عرفا و صوفیه را نمی‌توان در قالب مذهب کلامی خاصی قرار داد، ولی سهل اهل کلام نیز بوده و رویکرد عقلی به دین داشته است. سالمیه از جمله فرق گمنام اسلامی است که به رغم جایگاه کلامی و مشخصه‌های ویژه‌اش، در زمره فرق اسلامی به عنوان یک مکتب مستقل به شمار نرفته است. قدیم‌ترین مأخذی که اطلاعاتی از این مکتب به دست می‌دهد، کتاب مقدسی (چاپ دخویه، ص ۱۲۶) است. بنا بر گزارش وی، سالمیه گروهی از زهاد بوده‌اند بدون توجه به معرکه اختلاف فقهای زمان، که پایه سلوک دینی آنها زهد بوده است و اکثر مذکران بصره از اینان بودند. اطلاعات مقدسی از سالمیه کم است و کلی، ولی با توجه به قرابت زمانی

وی با سالمیه (کمتر از یک قرن) این اطلاعات موثق و ذی‌قیمت است. طاهر بن محمد معروف به شاپور اسفراینی (م ۴۷۱ق) در کتاب *التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجية عن الفرق الهالكين* (معجم المؤمنین، ج ۵، ص ۳۸؛ ج ۴، ص ۳۱۰) از فرقه سالمیه یاد کرده و آنان را جزو حشویه آورده و گمراهی آنان را در کلامشان بیان کرده است.

مهم‌ترین منبعی که اطلاعات دقیق و چشمگیری در باب عقاید سالمیه ارائه می‌کند، *الغنیة لطالبی طریق الحق* اثر عبدالقادر جیلانی صوفی حنبلی‌مذهب (چاپ مکه، ۱۳۱۴ق) است. او فصلی مبسوط از کتاب خود را به نقد این فرقه اختصاص داده است؛ اصول عقاید آنان را که مشتمل بر یازده فصل است ذکر می‌کند که برخی از آنها مخالف نص صریح قرآن است؛ مثل اعتقاد آنان به سجده شیطان بر آدم پس از امتناع اولیه او از این کار؛ و این خلاف تصریح قرآن (۲: ۲۳ و ۷: ۱۰) است؛ یا اینکه ابلیس هرگز وارد بهشت نشد، به خلاف تصریح قرآن بر رانده شدن او از بهشت (قرآن ۷: ۱۷)، یا اینکه پیامبر (ص) قبل از نزول جبرئیل و ابلاغ وحی با کلمه قرآن آشنا بوده، و این به خلاف نص قرآن مجید است (قرآن ۲۹: ۴۷، ۴۲: ۵۲).

قابل توجه اینکه برخی از رؤوس عقاید مزبور عیناً کلام سهل است که در مآخذ به او نسبت داده‌اند. آنان همچنین حلاج را تکفیر نمی‌کنند، و در اعتقاد به حضور باری تعالی در همه جا، متمایل به مشرب معتزلیان‌اند که همین اعتقاد موجب نفرت اشعریون می‌شده است (نک: *الابانه عن اصول الديانة*، حیدرآباد، ۱۳۲۱ق، ص ۴۴).

آنان به نحو اغراق آمیزی قائل به قدیم بودن قرآن‌اند و محمد موصلی اصفهانی (قرن ششم) نیز در *سيف السند السنیه فی قطع تهاب الحجمية و الشیعة* به شدت بر سالمیه می‌تازد و آنان را در کنار چهار امامیان و اهل حدیث قرار می‌دهد. ذهبی (م ۷۴۸ق) نیز در *العبر* تصریح دارد که ابن سالم در برخی مواضع خلاف سنت رأی داده است.

آیا آنچه گلدزیهر به نقل از منابع به عنوان عقاید کلامی سالمیه ارائه می‌کند، به راستی همان سالمیه‌ای است که اتباع احمد بن سالم بصری بودند و مستقیماً تحت تأثیر تعالیم سهل تستری، یا خلطی پیش آمده بین عقاید این گروه و تابعان هشام بن سالم جوالیقی که شهرستانی (*الملل و النحل*، ص ۱۴۲) در میان غلات او را نماینده مکتب به سرحد جنون معرفی می‌کند؟ آیا در معتقدات سهل تضاد و تنافی صریح با قرآن هست؟ مگر نه این است که سهل از بزرگان صوفیه است که اکثر قدما او را به دینداری و مبالغه در زهد ستوده‌اند. آیا به راستی اگر آنچه گذشت، برگرفته از عقاید

سهل است، چرا این طعن و ناسزاها که در حق سالمیه گفته‌اند، در حق سهل گفته نشده است؟ گلدزیهر می‌گوید: غیرممکن است مقصود از سالمیه در متون، پیروان هشام‌بن سالم جوالبقی باشند که وصفش گذشت؛ ولی عقاید عجیب و غریب یاد شده که در تنافی صریح با قرآن است، خواننده را به شک می‌اندازد که خلط عقاید پیروان ابن‌سالم جوالبقی با سالمیه بصره محتمل است.

۸. سهل بن عبدالله تستری و سالمیه. این کتاب از دیگر تحقیقات معاصران پیرامون سهل تستری است که مؤلف آن مستشرق آلمانی به نام تونک است. او این اثر را به سال ۱۹۷۰م منتشر ساخته است. باورینگ گوید: این کتاب ترجمه‌ای از متن کتاب *المعارضه* عبدالرحمن صقلی (م ۴۲۳ق) است. از آنجا که متن *المعارضه* اخیراً به اهتمام محمدکمال جعفرابراهیم در مصر ضمن مجموعه «من تراث الصوفی» به چاپ رسیده است و آن مشتمل برگزیده اقوال کلامی و عرفانی سهل است که اغلب آنها را ابن‌سالم روایت کرده است و پایه اعتقادی سالمیه را تشکیل می‌دهد، وجه انتساب کتاب به سهل بن عبدالله و سالمیه روشن می‌شود (نک: دهقانی ۱۳۷۷: ۱۷؛ باورینگ ۱۹۸۰: ۲).

۹. *مصائب حلاج*. لویی ماسینیون در *مصائب حلاج* (ص ۴۲) تحت عنوان «مرشد و یاران حلاج» ترجمه مختصری از سهل آورده و طی مقاله‌ای متین به تبیین عقاید وی پرداخته است. او عقاید سهل را از مآخذی چون *الشرح و البیان، المعارضه و الرد علی اهل الفرق، هردو از صقلی (م ۴۲۳ ق)*، *ذم الکلام هروی، تهذیب الاسرار* خرگوشی و *تفسیر الحقایق سلمی* گرفته است که همگی از متون معتبر و کهن صوفیه است. وی اصول مکتب سهل را سه چیز می‌داند: اجتهاد، توحید، ایمان: «مجموعه سلوک دینی».

او سهل را سنی محض و اهل الحدیث می‌داند و با استناد به *قوت القلوب* مکی آمده، وی را هوادار سرسخت خلیفه عباسی برشمرده که عقیده داشته هرکه او را فرمان نبرد، کافر و دوزخی است. شگفت اینکه قاضی نورالله در *مجالس المؤمنین* با استناد به همین کلام سهل و نظایر آن سعی در اثبات تشیع سهل داشته که تا حدودی موفق بوده است. او می‌گوید: سهل مصطلحات خویش را از ابن‌کلاب (کذا!) اخذ و اقتباس کرده است.

خرده‌ای که می‌توان بر کلام او گرفت اینکه یک جا می‌گوید که سهل به مانند

ابن حنبل از شیوه جدل متألّهین حرفه‌ای روی می‌تافت و به کردار وی بر اصول دین سنتی پای می‌فشرد و جای دیگر گوید که مشرب سهل در زمینه حکمت الهی چنان مستدل و منطقی است که ابن‌سالم، شاگرد وی، با گردآوری جوابهای سهل به پرسشهایش پایه‌گذار مکتب سالمیه گشت. باید گفت مگر شیوه متألّهین حرفه‌ای و بحث و جدالشان غیر از استدلال و منطق است. چگونه کسی که به مانند ابن‌حنبل ظاهری قشری که فقط به حدیث اهتمام دارد و از استدلال‌گریزان است و دین را به تعبد فراگرفته، مانند کسی است که شیوه‌اش در حکمت الهی مستدل و منطقی است (نک: ماسینیون ۱۳۶۲: ۲۴).

۱۰. شیخ العارفین الامام التستری از محمد حبیرة‌الله که در دارالتقافة به چاپ رسیده است.
 ۱۱. العارف بالله سهل بن عبدالله التستری حیاته و آرائه از عبدالحکیم محمود، در دارالمعارف قاهره به چاپ رسیده است. متأسفانه به دو اثر اخیر دست نیافتیم.
 ۱۳. پرده پندار از علی دشتی. این کتاب در نقد تذکرة‌الاولیا تألیف شده است و کرامات منسوب به بزرگان صوفیه را بررسی می‌کند. نویسنده شش کرامت منسوب به سهل تستری را نقل و نقد می‌کند و آنها را خلاف قواعد عقلی و محسوسات می‌داند و به سبب نقل آنها به عطار می‌تازد. وی برای رد کردن این کرامات شاهی از رساله قشیریه می‌آورد، حاکی از اینکه سهل خود منکر کرامات منسوب به خود بوده و در استدلال‌اتش مکرراً برای نقد و رد کرامات به آن کلام استناد می‌کند. عجب آنکه دشتی مکرراً از سهل تستری به عنوان «ابوسهل» سخن می‌گوید.
 ۱۴. جست‌وجو در تصوف از عبدالحسین زرین‌کوب. او به مناسبت وقایع حلاج از سهل تستری یاد می‌کند و مختصر تحقیقی درباره مشرب او دارد. او را سنی و هواخواه فرقه اهل حدیث معرفی کرده است و استناد او در این استنتاج، مدحی است که سهل در عبارات خود از حدیث و نقل آن دارد و اینکه گویند روزی سهل تستری از خلوتگاه خویش بیرون آمد فقط به قصد آنکه ابوداود سجستانی را ملاقات کند و آن زبان را که بدان چندان حدیث روایت کرده است ببوسد (دم‌الکلام هروی، نسخه خطی). او همچنین گوید: چون سهل از شوستر به بصره کوچید، حلاج در خدمت او بود و با او به بصره رفت.

۱۵. پژوهشی درباره زندگی، آثار الحوال سهل بن عبدالله تستری. عنوان مقاله‌ای از محمد دهقانی که در *ارج‌نامه ایرج* (ج ۲، ص ۱۱-۴۹) به چاپ رسیده است. گفتاری است حاوی تحقیقات ارزنده‌ای درباره سهل و آثار او. نویسنده منابع مهم را دیده و

کاری ارجمند عرضه کرده است؛ مع ذلك، نکاتی در این مقاله به چشم می‌خورد که تذکر داده می‌شود:

— نام کتاب *بلغة العوَّاص فی الاکوان إلی معدن الاخلاص* اثر محیی‌الدین ابن عربی (حاجی خلیفه، *کشف‌الظنون*، ج ۱، ص ۲۵۳) به صورت *بلیغة الجوّاس* ثبت شده که ظاهراً ناشی از غلط‌خوانی متن فرنگی باورینگ است (دهقانی ۱۳۷۷: ۱۶).

— نویسنده در ترجمه بخشهایی از کتاب *نگرش عارفانه به وجود/اثر باورینگ*، طی عبارتی گوید: *سمعانی* (م ۵۶۲ ق) در *معجم‌البلدان* تنها عبارتی کوتاه درباره سهل دارد (همان: ۱۷). بدین صورت *معجم‌البلدان* یا قوت‌بن عبدالله حموی (م ۶۲۴ ق) را به *سمعانی* نسبت داده است. به اصل متن مراجعه شد، تقریباً یک سطر از ترجمه ساقط و این غلط فاحش خلق شده است. ترجمه اصل متن چنین است: «*سمعانی* (م ۱۱۶۷/م ۵۶۲ ق) در کتاب *الانساب* خود تستری را زیر نسبت «تستر» آورده است. یا قوت (م ۱۲۲۹/م ۶۲۴ ق) در *معجم‌البلدان* خود...». بدین ترتیب «*سمعانی*» به *معجم‌البلدان* وصل شده (نک: باورینگ ۱۹۸۰: ۴۱).

— در ترجمه داستان شفای یعقوب لیث به دعای سهل در *حلیة‌الاولیا* (ج ۱۰، ص ۲۱۰) جمله پایانی سهل خطاب به معترض را: (من کانت حاله مع‌الله تعالی هکذا لایستکثر مال یعقوب بن لیث) چنین می‌آورد: «آن را با خدای چنین حالی است از مال یعقوب لیث فزونی نمی‌جوید.» حال آنکه «یستکثر» در اینجا به معنای زیاد پنداشتن است؛ یعنی کسی که با خدایش چنین حالی است مال یعقوب به دیده‌وی زیاد نمی‌آید (دهقانی ۱۳۷۷: ۲۴).

— نویسنده در بررسی آثار منسوب به سهل اظهار می‌دارد: نمی‌دانیم مقصود از قول ماسینیون در مقاله *دایرة‌المعارف اسلام* که «سهل چیزی نوشت» دقیقاً چیست؛ لیکن منابع تأیید می‌کنند که سهل *علاقة مفرطی* به نوشتن حدیث داشته است (همان: ۲۸).

نگارنده گوید: یقیناً کسی مانند ماسینیون می‌داند که سهل *علاقة* وافر به نوشتن حدیث داشته و بعید است که منظورش از این سخن این باشد که سهل امی بوده، بلکه سیاق کلام خواننده را به این معنی راهنمایی می‌کند که مقصود این است که تصانیف سهل به دست خود او نوشته نشده‌اند، بلکه شاگردان و اصحاب وی تقریر کرده‌اند؛ چنانکه مشهور است.

— نویسنده مقاله ضمن ایراد بر باورینگ — که احتمال می‌دهد سهل عربی‌زبان بوده و استدلال ضعیفی ارائه کرده است — با اینکه دو قرینه قاطع و شاهد صادق بر پارسی بودن سهل می‌آورد، پس از این استدلالات هنوز هم ایرانی بودن و پارسی بودن سهل را احتمالی می‌داند (همان: ۳۶).

— نویسنده در بخش آرای سهل به مبحث «ولایت» که می‌رسد، چون به مناسبت کلام به فتنه زنگیان بصره می‌انجامد، بدون هیچ مستمسک و قرینه تاریخی می‌گوید: «آیا نمی‌توان گفت در جریان شورش زنگیان بصره، سهل که حاضر نشد بصریان را برای دفع این خطر یاری دهد در واقع با زنگیان همدلی می‌کرد و خوشحال بود که این غلامان شورشی لابد به خواست خدا باد کبر و نخوت را از دماغ اعراب به در می‌کردند» (همان: ۳۶).

آیا عموم اهالی بصره که دستخوش قتل و غارت زنگیان قرار داشتند، عرب بودند یا فقط قشر حاکم و وابستگان او؟ مگر نه همین بصره بود که تا قرون اولیه اسلامی بخش قابل توجهی از جمعیت آن فارسی‌زبان بودند و کودکشان در کوی و برزن سرود «آب است و نبیذ است / عسارات زیب است / سمیه روی سپید است» سر می‌دادند. شاید زنگیان فقط متعرض عربها می‌شده‌اند. البته آنچه دهقانی مطرح کرده، چیزی جز یک سؤال نیست و زیاده نمی‌توان مناقشه کرد؛ ولی در یک گفتار علمی پرسش نیز باید مبتنی بر قرینه‌ای باشد.

— ایشان نام کتاب *سیره ابن‌الخفیف* تألیف ابوالحسن علی‌بن محمد دیلمی را به صورت *صراط ابن خفیف* ضبط کرده است که ظاهراً ناشی از بدخوانی متن فرنگی باورینگ است (همان: ۱۳).

چند مقاله و رساله مختلف دیگر به زبان فارسی در چند دهه اخیر منتشر شده که برخی از آنها عبارت‌اند از: «سهل تستری فیلسوف مستجاب الدعوة» از علی اصغر حلبی. این مقاله در نشریه نگین (۱۳۵۲، ش ۹۶، ص ۳۷) به چاپ رسیده است. بخش اعظم کار، ترجمه مقاله ماسینیون در *دایرةالمعارف اسلامی* است و نکته جدیدی ندارد.

«سهل بن عبدالله شوشتری» و «سهل بن عبدالله پیشوای صوفیان اسلامی» هر دو از محمدعلی شیخ، اولی در *مجله دانشکده ادبیات تهران* (س ۲۴، مرداد ۱۳۵۸، ش ۳-۴، ص ۱۸۸-۲۰۳) و دومی در *نامه کریمان* (تهران، ۱۳۷۳) مجموعه نقل قولهایی هستند

از منابع قدیم و جدید و امتیازی ندارند. «سهل بن عبدالله تستری» عنوان مقاله دیگری است از فاطمه مظاهری که در مجله صوفی (ش ۳۷، زمستان ۱۳۷۶) به چاپ رسیده است. شهرستان تصوف تألیف حسن جلالی عزیزیان کتابی است مختصر در زندگی و اقوال و آرای سهل. مؤلف بدون اینکه بین منابع مهم و دست اول و کتب دست دهم مثل فرهنگ عمید فرقی قائل شود، به یک میزان بدانها ارجاع داده، ولی در گردآوری سهلیات کوشیده است. این کتاب را در ۱۳۷۴ش مؤسسه چاپ و انتشار حدیث منتشر کرده است.

مدارک کتابشناختی

۱. محمد بن اسحاق ابن‌الندیم در *الفهرست* (تألیف ۳۸۸ق) سه عنوان را به سهل نسبت داده که امروزه اثری از آنها در دست نیست. این عناوین عبارت‌اند از: *دقایق المحبین*، *موعظ العارفين*، *جوابات اهل الیقین*.
الفهرست، قدیم‌ترین منبع کتابشناسی است که آثاری را به سهل نسبت می‌دهد و این خود بیانگر آن است که نام سهل در مدت کمتر از یک‌صد سال بعد از مرگش به عنوان مؤلف آثار صوفیه در *الفهرست* یا به تعبیر باورینگ (۱۹۸۰: ۸) تاریخ کلاسیک عربی ابن‌ندیم وارد شد.
۲. کلاباذی (م ۳۸۰ق) نه تنها در *التعریف* از سهل به عنوان مؤلف شهیری در موضوع تصوف یاد نکرده، که او را حتی به عنوان کسی که اثر مکتوبی در تصوف از خود به جای گذاشته باشد نیز به حساب نیاورده است.
۳. هجویری (م ۴۶۹ق) در *کشف المحجوب* (ص ۴۳۹) سهل را از جمله صاحبان آثار در آداب صوفیه برمی‌شمارد.
۴. اسماعیل بن سودگین (م ۶۴۶ق) از تلامیذ محیی‌الدین ابن عربی (م ۶۳۸ق) است که مجموعه‌ای از آثار جنید را کتابت کرده و در پایان از سهل و تألیف او به نام *المیشاق* به عنوان مؤلفی معتبر در مباحث عرفانی یاد می‌کند (نک: محمدکمال ۱۹۷۴: ۸۱/۱).
۵. ابن خلدون (م ۸۰۸ق) در کتاب *العبر* (ج ۱، ص ۲۰۶) کتاب «زایرجه» را به سهل نسبت داده است.

۶. ابن قطلوبغا (م ۸۷۹ ق) در کتاب *تاج التراجم* (ص ۵۱۰) کتابی را با عنوان *طبقات الصوفیه* به سهل نسبت داده است.
۷. شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد داودی (م ۹۴۵ ق) در *طبقات المفسرین* (ج ۱، ص ۲۱۰) تستری را به عنوان مفسر و صاحب تفسیر معرفی می‌کند؛ اما در چایی که در اختیار بود، زیر عنوان سهل مطلبی گفته نشده است و ظاهراً در نسخه اصل چنین بوده است.
۸. عبدالرؤف مناوی (م ۱۰۳۲ ق) در *الکواکب الدریه* (ج ۱، ص ۲۴۲) همان عناوینی را که ابن‌الندیم در *الفهرست* به سهل نسبت داده، نقل می‌کند، با این تفاوت که *دقائق المحبین* را به صورت *رقائق المحبین* ضبط کرده است.
۹. حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی (قرن یازدهم) در *دایرةالمعارف* کتابشناسی خود به نام *كشف الظنون* (ج ۲، ص ۱۱۹۳، ۱۳۲۸) دو عنوان از آثار سهل را برمی‌شمرد: *الغایة لأهل النهایة*، و *قصص الأنبیا*. لازم به ذکر است که عنوان اول را به نقل از عمادالدین محمود فارابی (م ۶۰۷ ق) صاحب *خلاصة الحقائق* نقل می‌کند (همان، ج ۱، ص ۶۹۹).
۱۰. اسماعیل پاشا بغدادی (م ۱۳۳۸ ق) در *هدیة العارفين* (ج ۱، ص ۵۵، ۴۱۲، ۱۹۵۱) سهل تستری را به عنوان مؤلف شش اثر معرفی می‌کند: *جوابات اهل الیقین*، *دقائق المحبین*، *زایرجه*، *الغایة لأهل النهایة*، *قصص الأنبیا*، *موعظ العارفين*. بغدادی در این فهرست «زایرجه» را به عناوینی که ابن‌ندیم و حاجی خلیفه نام برده‌اند، افزوده و ظاهراً مأخذ وی کلام ابن‌خلدون در *العبر* (ص ۲۰۶) است. از مأخذ معاصر که در زمینه تاریخ ادبیات اسلام یا عرب تألیف شده‌اند، می‌توان عناوین زیر را نام برد:
- خیرالدین زرکلی* در *الأعلام* ضمن ترجمه مختصری از سهل (ج ۳، ص ۲۱۰)، با ارجاع به مأخذی چون *طبقات الصوفیه سلمی*، *وفیات الاعیان*، *حلیة الاولیا* و *طبقات شعرانی*، این عناوین را به سهل نسبت داده است: *تفسیر القرآن*، *رقائق المحبین* (چنان‌که مناوی ثبت کرده است).
- عمر رضا کحّاله در *معجم المؤلفین* (ج ۴، ص ۲۸۴) این عناوین را به سهل نسبت داده است: *رقائق المحبین*، *موعظ العارفين*، *جوابات اهل الیقین*، *تفسیر*

القرآن الکریم، قصص الانبیا.

کارل بروکلیمان در تاریخ ادبیات عرب (ج ۱، ص ۱۹۰)، ترجمه احوال سهل را در باب هشتم کتاب تحت عنوان علوم قرآن، در شمار مفسران آورده است. او در معرفی آثار سهل به سه نسخه اشاره کرده است؛ نیز از آنچه در کتابخانه کوپریلی ذیل شماره ۷۲۷ نگهداری می‌شود، یاد می‌کند که در واقع مشتمل بر سه نسخه است: کلام سهل، الشرح و البیان، المعارضة و الرد علی اهل الفرق که شرح آن گذشت. وی بدون توجه به محتویات مجموعه و اینکه در حقیقت سه عنوان کتاب است، با اعتماد به برچسب پشت نسخه، کل مجموعه را یک واحد به حساب آورده است. او همچنین در ذیل کتاب خود (ج ۱، ص ۳۳۳) از دو کتاب صقلی، یعنی الشرح و البیان و المعارضة، یاد کرده است و از کلامش چنین فهمیده می‌شود که این دو کتاب را به مثابه شرح یا حاشیه‌ای بر تفسیر سهل دانسته و همین باعث شد که سزگین همان خطا را تکرار کند.

فؤاد سزگین در تاریخ التراث العربی آنچه از تصانیف سهل در کتابخانه‌های دنیا موجود و شناخته شده بوده، فهرست کرده است که شمار آنها به هشت عنوان می‌رسد. این عناوین عبارت‌اند از: تفسیر القرآن الکریم، المعارضة و الرد علی اهل الفرق، کلمات سهل بن عبدالله التستری، رسالة فی الحکم و التصوف، رسالة الحروف، مناقب اهل الحق و مناقب اهل الله، لطائف القصص فی قصص الانبیا، مقالة فی المنهيات.

او درباره کلمات سهل بن عبدالله گوید: ترجیحاً بایستی در قرن هفتم تألیف شده باشد. او نیز اشتباه بروکلیمان را تکرار کرده است؛ یعنی در ذیل تفسیر سهل از کتاب الشرح و البیان صقلی (م ۴۲۳ق) نام می‌برد و آن را به عنوان حاشیه یا تعلیقه‌ای بر تفسیر سهل معرفی می‌کند که اشتباه است (نک: سزگین ۱۴۱۲: ۴/ ۱۲۹-۱۳۰).

محمدکمال ابراهیم جعفر در کتابش با عنوان من تراث التستری الصوفی (ج ۱، ص ۸۱-۸۳) تفحصی در مآخذ، فهرستی از تصانیف سهل ارائه داده که مشتمل بر دوازده عنوان است: دقائق المحبین، مواظظ العارفین، جوابات اهل الیقین، تفسیر القرآن العظیم، قصص الانبیا، رسالة الحروف، کتاب الميثاق، رسالة فی الحکم و التصوف، الغایة لاهل النهایة، زایرجه، سلسبیل سهلی، کلام سهل.

رمضان ششن در نوادر المخطوطات فی مکتبات التریا به معرفی کتاب کلمات سهل بن عبدالله التستری و مناقبه اثر نعمان پاشا کوپریلی زاده (م ۱۱۳۲ق) می‌پردازد و نسخه‌های آن را معرفی می‌کند. او همچنین در فهرست کتابخانه کوپریلی نسخه شماره ۷۲۷ را که مجموعه‌ای است مشتمل بر سه عنوان الشرح و البیان، المعارضه و کلام سهل مبسوطاً معرفی می‌کند و همچنین اظهار نظر می‌کند آنچه در این مجموعه سزگین با عنوان کلام سهل معرفی کرده است، چیزی نیست جز همان «کلمات سهل...» کوپریلی زاده (م ۱۱۳۲ق) و کلام عجیبی است (رمضان ششن ۱۴۰۶: ۷۲/۳؛ ۳۵۱/۱).

نویسنده رساله المنهيات منسوب به سهل — که به شماره ۲۵۱ ج در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران موجود است — تصریح می‌کند که این رساله از ضیاءالقلوب سهل برگزیده شده است.

محمد دهقانی در مقاله خود تحت عنوان «پژوهشی درباره سهل بن عبدالله تستری» بخشی را با عنوان «آثار منسوب به سهل» به معرفی آثار سهل اختصاص داده است. تعداد عناوینی که او برشمرده است، مجموعاً به سیزده عنوان بالغ می‌شود (دهقانی ۱۳۷۷: ۲۸-۲۹).

آثار سهل

فواد سزگین در تاریخ التراث العربی (۱۴۱۲: ۱۵۹/۴/۱) آثار منسوب به سهل موجود در کتابخانه‌ها را احصا کرده است که مجموعاً به هشت عنوان بالغ می‌شوند. محمدکمال جعفر (۱۹۷۴: ۷۳-۷۹) تعداد آنها را به دوازده رسانده است. قابل توجه اینکه دو عنوان از عناوینی که سزگین ذکر کرده، در فهرست عناوین کمال جعفر ذکر نشده و باقی مشترک است که حاصل این دو فهرست چهارده عنوان است. نگارنده در این مقاله شمار مذکور را با افزودن چهار عنوان به هجده رسانده است. اینک مختصری از معرفی آثار منسوب به سهل:

۱. تفسیر القرآن العظیم. این تفسیر به مانند تفاسیر رسمی قرآن نیست که متکفل شرح و تفسیر تمامی آیات قرآن باشد؛ بلکه به مثابه تعلیقات متفرقه‌ای است بر برخی

آیات قرآن کریم که بدون هیچ نظم و ترتیب خاصی تدوین شده، و در حقیقت مجموعه پاسخهای سهل به سؤالات مریدان و اصحاب است. در این تفسیر قرائنی دیده می‌شود که ثابت می‌کند کتاب به صورت حالیه‌اش یقیناً نوشته خود سهل نیست؛ از جمله اشاره به اخباری از سیره شخصی سهل و داستان اختصاری وی و حتی وقایعی مربوط به بعد از فوت وی، کثرت عباراتی مانند «سئل سهل»، «قیل له»، «قلت لسهل»، «سمعته یقول» و نظایر آن، برخی از عبارت ابن‌سالم و حکایت سماع سهل. با وجود همه این موارد، در صحت انتساب مواد اصلی تفسیر به سهل شکی نیست و ظاهراً در خلال تفسیر سهل که از قدیم به وسیله راویان متصوفه سینه به سینه نقل می‌شد، اقوالی به وسیله همان راویان اضافه شده و این روند در طول قرون متوالی ادامه داشته است. با این حال صحت اقوال سهل در این تفسیر به استناد منابع کهن صوفیه مانند قوت‌القلوب، حلیة الاولیا و جز آن، قابل تأیید و اعتماد است. قرینه مهم دیگر بر اعتبار تفسیر اینکه در تفسیر الحقایق سلمی که در قرن چهارم تألیف شده، بخش مهمی از اقوال تفسیری سهل نقل شده که مقایسه آن اقوال با تفسیر سهل میزان اشتراکات در دو منبع را به دست می‌دهد. باورینگ (۱۹۸۰): ۱۱۳-۱۱۵) تقریباً چهارصد مورد مشابه در دو تفسیر یافته و با ارائه صفحات، جدول مبسوطی تدوین کرده است (نیز نک: دهقانی ۱۳۷۷: ۳۰-۳۱).

بنابر دیباچه کوتاه تفسیر، ابویوسف احمد بن محمد بن قیس سجزی این تفسیر را به سال ۲۷۵ق (هشت سال قبل از مرگ سهل) از خود او شنیده، پس از او این تفسیر به شیوه شفاهی سینه به سینه نقل شده، تا آنکه نوبت به ابوبکر محمد بن ابی نصر (م ۵۰۴ق) محدث مشهور نسف رسیده است و به احتمال قوی هموست که با اجازه پدرش ابونصر محمد (م ۴۴۱ق) به گردآوری و تبویب تفسیر سهل می‌پردازد و بعید نیست که همو برخی روایات تاریخی و حکایات مربوط به شیوه سلوک سهل را به تفسیر افزوده باشد.

باید توجه داشت که ما دو «ابونصر بلدی» می‌شناسیم: یکی پدر بزرگ دیگری است. پدر بزرگ، ابونصر بلدی (م ۴۴۱ق) و نوه او ابونصر احمد بن عبدالجبار بلدی (م ۵۴۱ق) است. آن ابونصری که سمعانی (الانساب، برگ ۹۰الف) به قصد دیدارش به نخشب رفت و از او حدیث شنود، ابونصر نوه است، و آن ابونصری که به اجازه او تفسیر سهل گردآوری شده، ظاهراً ابونصر جد است نه نوه (محمدکمال ۱۹۷۴: ۱/ ۹۲-۹۳). و آنچه این احتمال را تقویت می‌کند این است که عبدالرحمن بن محمد

صقلی (م ۴۲۳ق) در الشرح و البیان (برگ ۱۸۹ الف) برخی از اقوال تفسیری سهل را از ابونصر جد روایت می‌کند.

شایان ذکر اینکه یقیناً مدون تفسیر سهل استقصای کامل در جمع اقوال تفسیری سهل نداشته؛ چراکه مثلاً در تفسیر قرطبی (ج ۱، ص ۲۶۹، ج ۲، ص ۱۷۴، ج ۵، ص ۲۹۵، ۱۸۱-۱۸۲، ج ۷، ص ۳۴۶، ج ۹، ص ۲۶۹ و ۱۲، ص ۷۳، ج ۱۶، ص ۱۶۸) و الحقایق سلمی اقوالی تفسیری از سهل نقل شده که در تفسیر حالیه موجود نیست و اهتمام به گردآوری این اقوال و استقصای آنها تلاشی درخور تقدیر است.

بنا بر تحقیق سزگین، نسخ موجود از این تفسیر در کتابخانه‌های دنیا عبارت‌اند از: جوتا ۵۲۹، قاهره: ۳۸/۱، تفسیر ۶۸، ظاهریه ۵۱۵ (۱۴۶ برگ)، فاتح ۶۳۸ (۷۲ برگ) مورخ ۸۷۲ ق، و ۳۴۸۸/۲ (الف ۱۸۱ - الف ۲۷۹) مورخ ۹۶۵، صنعا ۶۲ (سزگین ۱۴۱۲: ۱۳۹/۴/۱).

این کتاب به سال ۱۳۲۶ ق توسط بدرالدین لغسانی در قاهره به چاپ رسید و به سال ۱۳۲۹ ق به وسیله غمراوی با استدراک اغلاط چاپ اول در قاهره مجدداً منتشر شده و اخیراً به تحقیق محمد باسل عیون السود جزو انتشارات دارالکتب العلمیه بیروت در دو مجلد به چاپ رسیده است.

۲. جوابات اهل الیقین. این کتاب که در الفهرست (ص ۲۶۳) ذکری از آن رفته، جزو کتب مفقوده است. منابعی چون الکواکب الدرّیه (ج ۱، ص ۲۴۳)، روضات الجنات (ج ۴، ص ۹۳)، هدیه العارفین (ج ۱، ص ۴۱۲) نیز به نقل از منبع اول، این کتاب را به سهل نسبت داده‌اند.

کتاب، همچنان که از عنوان مذکور برمی‌آید، بایستی در پاسخ سؤالات مریدان نوشته شده باشد و نیز می‌دانیم که ابن سالم مجموعاً پنج‌هزار سؤال در کلام و عرفان از سهل پرسید و او نیز پاسخهای مبسوط به آنها داد. سپس ابن سالم بر اساس پاسخهای سهل مکتب کلامی خویش را بنیاد نهاد. بعید نیست این عنوان متعلق به پاسخهای سهل به ابن سالم باشد.

۳. دقائق المحبین. ابن الندیم نامی از این کتاب برده است (الفهرست، ص ۲۳۶) و تمامی منابع مذکور ذیل عنوان ۲ نیز آن را به سهل نسبت داده‌اند، با این تفاوت اندک که در الکواکب (ج ۱، ص ۲۳۸) آن را به صورت «رقائق المحبین» ضبط کرده است.

۴. دیه القلوب. چنانکه از رساله المنهیات منسوب به سهل برمی‌آید کتابی به نام

دیه‌القلوب نیز به سهل منسوب است (باورینگ ۱۹۸۹: ۱۰).

۵. رساله فی الحکم و التصوف. در منابع اصیل چنین عنوانی به سهل نسبت داده نشده، ولی محمدکمال جعفر به نقل از معجم المخطوطات المصوّرة (ج ۱، ص ۱۶۱، رقم ۱۹۵) نسخه‌ای از این رساله مورخ ۶۸۶ ق را معرفی می‌کند که به شماره ۴/۴۱۲۸ (۴۸-۱۶۱) در کتابخانه ایاصوفیا موجود است. او که نسخه را بررسی کرده است، می‌گوید: علاوه بر اینکه نسخه‌ای ناقص است خود رساله اثری کم‌اهمیت است و چیزی نیست جز منتخباتی محرف و ناقص از تألیفات سهل. سزگین (۱۴۱۲: ۴/۱۲۹-۱۳۰) در فهرست آثار سهل از این رساله نام برده است (نک: محمدکمال ۱۹۷۴: ۸۱/۱).

۶. رساله الحروف. در فهرس شناخته شده آثار سهل اثری از این نام نیست و اول کسی که آن را معرفی کرده، محمدکمال جعفر در تراث التستری الصوفی (۱۹۷۴: ۳۶۴/۱) است. رساله‌ای است کم‌حجم در چند برگ، مشتمل بر اقوال سهل در باب معانی رمزآلود حروف که اغلب درباره حروف مقطعه قرآن است. بعید نیست پدیدآورنده این اثر اقوال مربوط به حروف را از میان گفته‌های سهل از مصادر برگزیده و تدوین کرده باشد. البته در انتساب مطالب این وجیزه به سهل تقریباً شکی نیست، چون برخی از این عبارات به عین الفاظ یا به مضمون در آثار مشابه دیگر نیز یافت می‌شود.

کمال جعفر احتمال می‌دهد، کتابی را که اسماعیل بغدادی در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۴۱۲) به عنوان زایرجه به سهل نسبت داده همین رساله الحروف باشد و در توجیه سخن خود گوید: چه بسا بغدادی به این سبب عنوان زایرجه را بر این رساله اطلاق کرده که ارقام و اعدادی را در حاشیه نسخه‌ای از این رساله دیده و گمان کرده آن اعداد مربوط به فن استخراج خبیئات موسوم به زایرجه باشد. در بطلان این سخن باید گفت چند صد سال پیش از بغدادی، ابن خلدون (م ۸۰۸ ق) در العبر (ج ۱، ص ۲۰۶) زایرجه را به سهل نسبت داده است و این عنوان تراشیده ذهن بغدادی نیست. نسخه منحصر به فرد این اثر در کتابخانه چسترییتی ضمن مجموعه ۳۱۶۸ (گ) ۱۶۶-۱۷۴) در کنار شمار دیگری از رسائل علم الحروف قرار دارد. سزگین (۱۴۱۲: ۴/۱۳۰) نیز از این کتاب یاد کرده است. این رساله اولین بار به اهتمام محمدکمال

جعفر در مجموعه من تراث التستری الصوفی با مقدمه‌ای تحت عنوان «توثیق رساله الحروف التستری» در ده صفحه (۳۶۶-۳۷۵) به چاپ رسیده است. آغاز: بسمله و سلی امه... قال سهل بن عبدالله فی الحروف إن الله بحکمته جعل الحروف أصلاً لیترب منها القول...

۷. الزایرجه از جمله کتابهای مفقوده است که اثری از آن در دست نیست. علم زایرجه از جمله فنون و قواعدی است مانند رمل از متفرعات علوم غریبه که از آن جهت کشف مغیبات و پیشگویی استفاده می‌شود. بنابر منابع موجود، اولین کتابی که این عنوان را به سهل نسبت داده، العبر (ج ۱، ص ۲۰۶) نوشته ابن خلدون (م ۸۰۸ ق) است. حاجی خلیفه کاتب چلبی (قرن یازدهم) در کشف الظنون (ج ۲، ص ۹۴۸) و سپس بغدادی در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۴۱۲) هم از این کتاب نام برده‌اند. الزایرجه، به رغم نظر محمدکمال جعفر در من تراث التستری الصوفی (ج ۱، ص ۳۶۴) که احتمال می‌دهد این اثر با «رساله فی الحروف» یکی است، با توجه به استدلالی که ذیل عنوان ۶ در بالا بیان شد، این دو نوشته، دو اثر متفاوت اند.

۸. سلسبیل سهلیه. به گفته شیخ سینوسی وجیزه‌ای است مشتمل بر اوراد روزانه سهل که آن را از دایی خود محمدبن سوار اخذ کرده (ماسینیون ۱۹۹۴: ۲۳). مناوی نیز در الکوکب الدریه (ج ۱، ص ۲۴۳) از این کتاب یاد کرده است.

۹. ضیاء القلوب = ضیاء القلب. از جمله عناوین منسوب به سهل است که امروزه اثری از آن در دست نیست. چنان که نویسنده رساله المنهیات موجود در دانشکده حقوق به شماره ۲۵۱ تصریح می‌کند، رساله مذکور را از ضیاء القلوب سهل برگزیده است: همچنین بندی از همین کتاب در مجموعه خطی شماره ۱۰۰۵ کتابخانه ملک مورخ ۹۲۹ هجری نقل شده است (نک: افشار و دانش پژوه ۱۳۶۹: ج ۷، ص ۱۴۵).

۱۰. طبقات الصوفیه. ابن قطلوبغالم (م ۸۷۹ ق). در کتاب تاج التراجم (ص ۵۱) کتاب طبقات الصوفیه را به سهل تستری نسبت داده و او در این قول منفرد است و کس دیگری چنین سخن نگفته (نیز، نک: باورینگ ۱۹۸۰: ۱۰).

۱۱. الغایه لأهل النهایه. فریابی (م ۳۰۰ ق) از این کتاب با عنوان خلاصات غایات أهل النهایه یاد می‌کند (طبقات الحقیقیه، ج ۱: ص ۵۳)، در کشف الظنون (ج ۲، ص ۹۴۸) و هدیه العارفین (ج ۱، ص ۴۱۲) و من تراث التستری الصوفی (محمدکمال

۱۹۷۴: ۸۱/۱) نیز از این کتاب یاد شده است.

۱۲. کلام سهل. سزگین (۱۴۱۲: ۱۲۹/۴-۱۳۰) و محمدکمال جعفر (۱۹۷۴: ۸۲/۱) این نام را بر کل مجموعه شماره ۷۲۷ کتابخانه کویریلی استانبول اطلاق کرده‌اند؛ حال آنکه این عنوان متعلق به رساله اول مجموعه است. کلام سهل رساله موجزی است مشتمل بر اقوال کوتاه سهل حول قضایای زهد و تصوف و علم کلام. دیباچه‌ای که در آغاز رساله آمده، به روشنی مشخص می‌کند که این رساله را سهل خود نوشته، بلکه شامل تقریرات او است که حضار مجلس او، از جمله ابن سالم (پدر) و — بنا به قول محمد کمال جعفر — ابن سالم پسر آن تقریرات را تنظیم و تبویب کردند. سزگین گوید: به احتمال قوی این متن حوالی قرن هفتم تبویت و تنظیم شده است (محمدکمال ۱۹۷۴: ۸۲/۱). شایان ذکر اینکه رمضان ششن (۱۴۰۶: ۳۵۱/۱) در فهرست مخطوطات کویریلی گوید: آنچه سزگین به عنوان کلام سهل معرفی کرده، همان «کلمات سهل بن عبدالله التستری و مناقبه» اثر لغمان پاشا کویریلی‌زاده (م ۱۱۳۲ق) است. این نظر یقیناً خطا است چرا که از دو نسخه‌ای که در اختیار نگارنده است، چنین مطلبی بر نمی‌آید؛ معلوم نیست ششن چگونه به این نتیجه رسیده است. همان‌گونه که اشاره شد، یک نسخه از این کتاب در مجموعه ۷۲۷ کتابخانه کویریلی استانبول موجود است که تاریخ آن ۱۰۴۴ ق و محل کتابت آن در شهر اسکوب است.

۱۳. لطائف القصص (قصص الانبیا). حاجی خلیفه در کشف الظنون (ج ۲، ص ۱۳۲۸) از این کتاب یاد کرده است. نسخه این کتاب تا قرن یازدهم که حاجی خلیفه مشغول تدوین کشف الظنون بوده، وجود داشته چرا که او خود نسخه‌ای از کتاب دیده و عبارت اول آن را این طور نقل کرده است: الحمد لله الذی لم یسبقه شیء.

محمدکمال جعفر (۱۹۷۴: ۸۰/۱) اظهار عقیده می‌کند که باید بخشهایی از این کتاب در تفسیر سهل و نیز در کلام سهل باقی مانده باشد. همو گوید که تاکنون نسخه‌ای از این کتاب یافت نشده، و لذا از آن به عنوان مفقود یاد می‌کند؛ ولی سزگین (۱۴۱۲: ۱۲۹/۴-۱۳۰) نسخه‌ای از این کتاب را در کتابخانه طلعت به شماره ۲۸۳ یافته است. این نسخه به خط محمد بن ابوبکر ملقب به ابن عطا جوری و به تاریخ ۱۷ رمضان ۸۳۸ و کل نسخه مشتمل است بر ۵۶ صفحه. کتاب هفده فصل

دارد که فصلهای یکم تا یازدهم آن به ترتیب حیات آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، ایوب، یونس، سلیمان، موسی، عیسی، خاتم الانبیا محمد علیهم صلوات الرحمن را شرح می‌کند و از فصل دوازدهم تا هفدهم کتاب در موضوع الطاف حق و حکایاتی است صوفیانه در خصوص عبادت، نماز و بسم‌الله (نک: محمدکمال ۱۹۷۴: ۸۰/۱؛ باورینگ ۱۹۸۰: ۱۷).

۱۴. *المعارضه و الرد علی أهل الفرق*. مجموعه اقوال سهل است در مناقشه با برخی صوفیه و فرق کلامیه مانند مرجئه و قدریه که عبدالرحمن صقلی (م ۴۲۳ق) گرد آورده است و در بخش «پژوهشهای سهل‌شناسی» معرفی شد.

۱۵. *الميثاق (کتاب الميثاق)*. آرتور آبری، چنانکه در مقدمه کتاب *الصدق خراز* (ص هشت) آورده، می‌گوید: از تصریح کاتب رسائل جنید یعنی اسماعیل بن سودکین (م ۶۴۶ق) که خود از تلامذ ابن عربی است، به وجود چنین کتابی می‌توان پی برد. وی تصریح می‌کند که کتاب *الميثاق سهل* در خصوص تفسیر آیه کریمه ۱۷۱ سوره الاعراف «ألسن بریکم...» و به مانند رساله‌ای است که جنید در همین موضوع نگاشته، و همچنین گوید که رساله مذکور را یافته و مطالعه کرده است. امروزه از چنین کتابی اثری نیست، ولی ممکن است برخی نکات مهم آن در تفسیر سهل ذیل آیه شریفه و نیز در اقوال مأثور از سهل یافت شود (نک: مقدمه محمد باسل عیون السود، در: تستری، تفسیر، ص ۱۰؛ محمدکمال ۱۹۷۴: ۸۱/۱).

۱۶. *مناقب أهل الحق و مناقب أهل الله عزّ و جلّ*. سزگین (۱۴۱۲: ۴/ ۱۲۹-۱۳۰) از این کتاب یاد کرده و گوید شیخ محمد راثینی از اعلام قرن هفتم بر این کتاب شرحی نگاشته که در کتابی در کتابخانه طلعت به شماره ۱۵۸۱ تصوف نگهداری می‌شود.

۱۷. *المنهيات (مقاله فی) = رسالة المنهيات*. ظاهراً منتخبی از کتاب *ضیاء القلوب* منسوب به سهل است. وجیزه‌ای است در آداب طریقت و تعیین رذایل نفسانی که به دستور رسول خدا نهی شده است، مشتمل بر اقوال کوتاه و فهرستوار که خالی از تکرار نیست و مطلب جدیدی از سهل ندارد. تنها نسخه شناخته شده این رساله ضمن مجموعه شماره ۲۵۱ ج دانشکده حقوق دانشکده تهران (در کتابخانه مرکزی) موجود است. کل رساله مشتمل بر شش برگ و یک صفحه است که خود جزیی از رساله‌ای مبسوط در آداب طریقت است. کاتب این نسخه مقبول شاه مخدوم

کشمیری است که به تاریخ ۱۲۵۹ ق از کتابت آن پرداخته است. این تاریخ در تاریخ التراث العربی (سزگین ۱۴۱۲: ۱۲۹/۴) و فهرست کتب خطی دانشکده حقوق (دانش پژوه ۱۳۳۹: ۴۸۷) به غلط ۱۲۷۹ ق ثبت شده است (نک: دهقانی ۱۳۷۷: ۲۸-۲۹؛ باورینگ ۱۹۸۰: ۱۷).

۱۸. *مواظة العارفين*. ابن ندیم در *الفهرست* از این کتاب منسوب به سهل یاد کرده است و نیز *الکواکب الدرّیة* (ج ۱، ص ۲۴۳)، *معجم المؤلفین* (ج ۴، ص ۲۸۴)، هدیه العارفين (ج ۱، ص ۴۱۲) و *روضات الجنات* (ج ۴، ص ۹۳) به تبع *الفهرست*، آن را به سهل نسبت داده‌اند.

اصحاب سهل

در لابه‌لای متون صوفیه و نیز برخی منابع تاریخی، می‌توان به نام بسیاری از اصحاب و شاگردان سهل دست یافت. هرچند این بخش از لحاظ محتوا جزء وظایف مقاله محسوب نشود، ولی به لحاظ علاقه به علم رجال و اینکه شاید محققان تاریخ تصوف را به کار آید، اسامی به دست آمده به ترتیب الفبا عرضه می‌شود؛ امید که سودمند افتد:

- ابراهیم بن شیبان خراسانی. عبدالرحمن صقلی در *الشرح و البیان* کرامتی از سهل را به نقل از وی آورده (نک. کلمات سهل، نسخه خطی مرعشی، برگ ۷۰ الف).

- ابراهیم برجی (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۰۲).

- ابن درستویه. ذهبی در *سیر اعلام النبلا* (ج ۱۳، ص ۳۳۰) از او به عنوان صاحب سهل یاد می‌کند.

- ابن واصل ← عمر بن واصل.

- ابوبشیر بن ابراهیم بن دستکوثا (کذا!) (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۰۵).

- ابوبکر جوربی (همان، ج ۱۰، ص ۲۱۰).

- ابوبکر محمد بن یحیی بن ابی بدر (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۲).

- ابوبکر محمد بن منذر الهجیمی (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۵، *سیر اعلام*، ج ۱۳، ص ۳۳۰).

- ابوجعفر مصیعی مغازلی. از جمله عبّاد روزها و مذکور در *بغیة الطلب* جیلانی (ج

- ۱۰، ص ۴۳۷۹) است که از سهل حکایت دارد.
- ابوالحسن البصری، در *تکلمة الاکمال* (ج ۱، ص ۴۱۱) او را از اصحاب سهل برمی‌شمارد که از او بسیار روایت می‌کند.
- ابوالحسن بغدادی ← علی بن محمد المزین.
- ابوالحسن نخّاس یا نخّاس، در *تاریخ بغداد* (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، ص ۴۲۸) چنین آمده از سهل سماع حدیث داشته است.
- ابوالعباس الخوّاص. ابن الجوزی در *صفة الصفوة* او را از زمرة مصاحبان سهل برمی‌شمارد.
- ابوعلی اصفهانی خرگوشی در *تهذیب الاسرار* (ص ۳۲) از او به عنوان صاحب سهل یاد کرده است.
- ابوعلی البصری، وی ساکن بغداد بوده و در زمرة مصاحبان سهل به شمار می‌آید.
- ابومحمد جریری (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۴، ص ۴۲۶) از او روایت می‌کند.
- ابوعلی محمد الصّحاک بن عمرو (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۱۱).
- ابوالفضل جعفر بن احد شیرجی (همان، ج ۱۰، ص ۱۸۹، ۲۰۵).
- ابومحمد، احمد بن محمد بن الحسین الجریری (م ۳۱۱ق) (انصاری، *طبقات*، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۰۱).
- ابومحمد بن صولیب (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۴).
- ابویعقوب بلدی (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۲۰۲).
- ابویعقوب سوسی. از دوستان و نزدیکان سهل بوده. در *اللمع سراج* آمده که به همراه سهل در ارّجان بوده (محمدکمال ۱۹۷۷: ۷۱/۱؛ *سراج، اللمع*، ص ۱۹۳).
- احمدابن سالم. وی معروف‌ترین اصحاب سهل است و به عنوان شیخ سالمیه شهرت دارد (نک: ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۳۷۸؛ ذهبی، *سیر اعلام*، ج ۱۶، ص ۲۷۲).
- احمد بن محمد بن یوسف. وی دایی پدر حافظ ابونعیم است و مکرر از او سخنان سهل را روایت می‌کند (ابونعیم، *حلیة*، ج ۱۰، ص ۱۹۹).
- احمد بن نوح اهوازی (همان، ج ۱۰، ص ۲۰۰).
- احمد بن یحیی شیرازی، (ابوالعباس) مدفون در شیراز است (نک: روزبهان، شرح

- شطحیات؛ جنید، شدّالازار).
- ایوب جمال، ابوسلیمان، ابن الجوزی (ابن تغری، صفه، ج ۲، ص ۲۹۳) از او به عنوان صاحب کرامت و مصاحب سهل یاد می‌کند.
- ابوبکرین محمد بن العلاء قشیری ابوالفضل (م ۳۴۴ق) از بزرگان فقهای مالکی است و حکایاتی را از سهل نقل کرده است (ذهبی، سیر اعلام، ج ۱۵، ص ۵۳۷؛ ابن فرحون، دیباج، ج ۱، ص ۱۰۰).
- جعفر بن محمد بن یعقوب ثقفی (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۲۰۲).
- حسن بن علی بن خلف بر بهاری فقیه، ابومحمد (م ۳۲۸ق) از بزرگان حنابله، مردی فقیه و صاحب تصانیف و از مشاهیر اصحاب سهل است (ذهبی، العبر، ج ۲، ص ۲۲۲؛ جنید، شدّرات، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابن ابی یعلی، طبقات، ص ۲۹۹).
- حسین بن منصور حلاج، ابومغیث (م ۳۰۹ق) (ذهبی، سیر اعلام، ج ۱۴، ص ۳۱۴).
- عباس بن احمد (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۱۹۲).
- عباس بن عصام (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۸).
- عبدالجبار بن شیر یازین یزید عبدی بطنی. از او به عنوان صاحب سهل یاد کرده‌اند (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۸ و ۲۱۱؛ یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۱۹).
- عبدالرحمن بن احمد. در رساله قشیریّه از او به عنوان صاحب سهل یاد شده است.
- عبدالرحیم بن موسی اصطخری مدفون در شیراز (جنید، شدّالازار).
- عثمان بن احد عثمانی (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۱۹۳).
- علی بن عبدالعزیز ضریر صوفی بغدادی، ابوالحسن (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۰).
- علی بن محمد مزین بغدادی، ابوالحسن (م ۳۲۸ق).
- عمر بن واصل عنبری، ابوالحسن. وی ظاهراً بصری و ساکن بغداد بوده مکرر در تفسیر سهل نامش آمده (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۲۱؛ ابونعیم، حلیه، ج ۱، ص ۲۱۱).
- محمد بن احمد ابن سالم بصری (م ۲۹۷ق). مشهورترین شاگرد سهل. او و پسرش هر دو عنوان «ابن سالم» شهرت دارند (سلمی، طبقات، ج ۱، ص ۳۱۲؛ ابن اثیر، الکامل،

ج ۶، ص ۴۶۶.

— محمدبن احمدبن سلمه نیشابوری (ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۱۹۳).

— محمدبن حسن بن احمد جوری (یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۸۲).

— محمدبن الحسن؟ از مصاحبان سهل است (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص

۲۵۲؛ ابونعیم، حلیه، ج ۱۰، ص ۲۱۱).



کتابنامه

- ابن ابی یعلی، طبقات الحنابلة، تصحیح محمد حامد فقہی، قاہرہ، ۱۹۵۲م.
- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن اثیر، عزالدین، اللباب فی تہذیب الانساب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن بطوطہ، سفرنامہ، ترجمہ محمد علی موحد، تہران، بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب، ۱۳۴۸ش.
- ابن تغری بردی، النجوم الزہراء، مصر، دارالکتب، ۱۹۳۰م.
- ابن تغری بردی، صفۃ الصفوة، تصحیح محمود فاخوری، حلب، دارالوعی، ۱۲۹۳ق.
- ابن تغری بردی، المنتظم، تصحیح نعیم زر زور، بیروت، دارالکتب العلمیہ، [بی تا].
- ابن خلدون، العبر، تحقیق صلاح الدین المنجد، کویت، ۱۹۶۰م.
- ابن خلکان، وفيات الاعیان، تحقیق محیی الدین عبدالحمید، مکتبۃ النهضة المصریة، ۱۳۶۷ق.
- ابن العربی، محیی الدین، الفتوحات المکیة، تصحیح عثمان یحیی، قاہرہ، ۱۹۸۱م.
- ابن العربی، محیی الدین، فصوص الحکم، تصحیح ابوالعلا عفیفی، الزہرا، ۱۳۷۰ش.
- ابن العماد الحنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، دار أحیا التراث العربی [بی تا].
- ابن فرحون، دیباج المذہب فی معرفۃ اعیان علماء، تحقیق محمد الاحمدی ابوالنور، قاہرہ، دارالتراث، ۲۰۰۵م / ۱۴۲۶ق.
- ابن کثیر، البدایة و النہایة، بیروت، مکتبۃ المعارف، ۱۴۱۱ق.
- ابونعیم اصفہانی، حلیۃ الاولیا، [بی تا]، ۱۳۵۷ق.
- اسفراینی، شافہورین طاہر، تاج التراجم، ویرایش گوستاو فلوگل، ۱۸۶۲م.
- اسماعیل بن محمد بن عبد اللہ مستملی، نورالدین و فضیحة المدعیین، تصحیح محمد

- روشن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۷ ش.
- افشار، ایرج؛ دانش یژوه، محمدتقی، ۱۳۶۹، فهرست نسخه خطی کتابخانه ملک، ج ۷، تهران، کتابخانه ملی ملک.
- اقتداری، احمد، ۱۳۵۳، دیار شهریاران، تهران، انجمن آثار ملی.
- انصاری، عبدالله، طبقات الصوفیه، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران، توس، ۱۳۶۳ ش.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی، اوردالاحباب و فصوص الآداب، به کوشش ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، استانبول، ۱۹۵۱ م.
- ترمذی، محمد بن علی، ختم الاولیا، به کوشش عثمان یحیی، المكتبة الكاثولیکية، بیروت [بی تا].
- تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، تصحیح محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن، نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
- جزایری، سید عبدالحسین، بضاعة مزجاة، نسخه خطی شماره ۷۰ (مجموعه سرود)، کتابخانه مجلس.
- جزایری شوشتری، سید عبدالله، تذکره شوشتر، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۴۸ ش.
- جلالی عزیزیان، حسن، ۱۳۷۴، شهرستان تصوف، تهران، حدیث.
- جنید شیرازی، شدالازار، تصحیح محمد قزوینی، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸ ش.
- حاجی خلیفه، کشف الظنون، تصحیح محمد شرف الدین یالتقیا، اکیسی، استانبول، رفعت بیلگه، [بی تا].
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تصحیح فردیناند ووستنفلد، لایزیک، ۱۸۶۶ م.
- خرگوشی، عبدالملک بن محمد، تهذیب الاسرار، تصحیح بسام بن محمد بارود، بیروت، مکتبه المثنی، ۱۴۱۸ ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، دراسة و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷ م / ۱۴۱۷ ق.

- خفاجی مصری، شهاب‌الدین احمد، نسیم الرياض، تصحیح عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، [بی‌تا].
- خوانساری، سیدمحمدباقر، *روضات الجنات*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۳۹، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران*، تهران، دانشگاه تهران.
- دانش پژوه، محمدتقی، ۱۳۶۹، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک*، ج ۷، تهران.
- داودی، شمس‌الدین محمدبن علی، *طبقات المفسرین*، بیروت، دارالمکتب العلمیه، [بی‌تا].
- دشتی، علی، ۱۳۶۲، *پرده پندار*، تهران، تهران.
- دهقانی، محمد، ۱۳۷۷، «پژوهشی درباره سهل بن عبدالله تستری»، *ارج نامه ابرج*، ج ۲، به اهتمام محسن باقرزاده، زیر نظر: محمدتقی دانش پژوه و عباس زریاب خوئی.
- دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، *عطف الألف المألوف*، تحقیق و ادیه، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی، ۱۹۶۲م.
- ذهبی، شمس‌الدین، *تذکره الحفاظ*، دایرة المعارف العثمانیة، [بی‌تا].
- ذهبی، شمس‌الدین، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، ۱۹۸۴م.
- ذهبی، شمس‌الدین، *العبر فی تاریخ من غیر*، تحقیق فؤاد سیّد، کویت، ۱۹۸۴م.
- رازی، سیّد مرتضی داعی، *تبصرة العوام*، تصحیح عباس اقبال، تهران، مطبعة مجلس، ۱۳۱۳ش.
- رمضان ششن، ۱۴۰۰، *نوادر المخطوطات فی مکتبات ترکیا*، بیروت، دارالکتاب الحدید.
- رمضان ششن، ۱۴۰۶، *فهرس مخطوطات مکتبه کویریلی*، منظمة المؤتمر الاسلامی، استانبول، مرکز ابحاث للتاریخ و الفنون الاسلامیه.
- رمضان ششن، ۱۹۹۷، *مختارات من المخطوطات العربیة النادرة فی مکتبات ترکیا*، استانبول.
- روزبهان بقلی، شرح شطحیات، تصحیح هنری کرین، تهران، طهوری و انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۱ش.
- روزبهان بقلی، *عرائس البیان* (به انضمام تفسیر ابن عربی)، نولکشور، چاپ سنگی، قرن ۱۳.
- روزبهان بقلی، *مشرب الارواح*، تصحیح نظیف محرم خواجه، مطبعه کلیة الآداب،

- استانبول، ١٩٧٣م.
- زركلى، خيرالدين، الاعلام، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٠م.
- زرين كوب، عبدالحسين، ١٣٧٦، جست وجود در تصوف ايران، تهران، اميركبير.
- سراج، ابونصر، اللمع، تصحيح نيكلسون، ليدن.
- سراج، جعفر بن احد، مصارع العشاق، بيروت، دار صادر، ١٣٧٨ق.
- سزگين، فؤاد، ١٤١٢، تاريخ التراث العربى، قم، مكتبة المرعى.
- سلمى، ابو عبدالرحمن، طبقات الصوفيه، تصحيح نورالدين شريبه، جامعه الازهر للنشر و التقريب، ١٣٧٢ق.
- سمعانى، محمد بن عبدالكريم، الانساب، بغداد، ١٩٤٠م.
- سهروردى، شهاب الدين عمر، التلوينات العرشيه، مطبعة المعارف، ١٩٤٥م.
- سهروردى، شهاب الدين عمر، عوارف المعارف، ترجمه ابومنصور بن عبدالؤمن اصفهانى، تهران: علمى و فرهنگى، ١٣٨٤ش.
- سهروردى، شهاب الدين يحيى، المشارع و المطارحه، (مجموعه فى الحكمة الالهيه)، چاپ كوربان، مطبعة المعارف، ١٩٤٥م.
- الشاشى المروى، مؤمل بن مشرور، نهضة الفريقين، تصميم عبدالحى حبيبي، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٥٩ش.
- شعرانى، عبدالوهاب، الانوار القدسيه، مصر، المطبعة الزهرية، ١٣٤٤ق (هامش الطبقات الكبرى).
- شعرانى، عبدالوهاب، الطبقات الكبرى، مصر، المطبعة الازهرية، ١٣٤٤ق.
- شوشترى، قاضى نورالله، فردوس، تصحيح جلال الدين محدث ارموى، تهران، انجمن آثار ملي، ١٣٥١ش.
- شوشترى، قاضى نورالله، مجالس المؤمنين، تهران، كتابفروشى اسلاميه، ١٣٥٤ش.
- صاغرچى، اسعد محمد سعيد، الجّد فى السلوك، دمشق و بيروت، دارالكلم الطيب، ١٤٢١ق.
- صقلى، ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد، الشرح و البيان لما أشكل من كلام سهل، (من تراث التنستري الصوفى) بصره، دارالمعارف، ١٩٧٤م.
- العروسى، مصطفى، نتائج الافكار القدسيه، تصحيح عبدالوارث محمدعلى، بيروت،

- دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- عطار نیشابوری، فریدالدین، تذکرة الاولیا، تصحیح محمد استعلامی، تهران، زوآر، ۱۳۷۹ش.
- عین‌القضات همدانی، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ش.
- عین‌القضات همدانی، زبدة الحقائق، تصحیح عقیف عسیران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۹۶۱م.
- عین‌القضات همدانی، شکوی الغریب، تصحیح عقیف عسیران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۹۶۲م.
- غزالی، محمدبن محمد، أحياء علوم‌الدين، ترجمه خوارزمی، تصحیح حسین خدیوچم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
- غلام‌سرور لاهوری، خزینة الاصفیا، نولکشور، [بی تا].
- فیض کاشانی، المحجة البيضاء فی التهذیب الاحیا، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، الرسالة فی علم التصوف، مصر، ق ۱۳.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، ترجمه رساله قشیریه، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰ش.
- کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، نشر هما، ۱۳۶۷ش.
- کحّاله، عمر رضا، معجم‌المؤمنین، دمشق، ۱۹۵۷-۱۹۶۱م.
- کلاباذی، ابوبکر محمدبن ابراهیم، التعرف بمذهب التصوف، ترجمه محمدجواد شریعت، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱ش.
- کوپرلی‌زاده، نعمان پاشا، کلمات سهل بن عبدالله تستری و مناقبه، نسخه خطی شماره ۹۳۰۷، کتابخانه مرعشی قم.
- ماسینیون، لویی، ۱۳۶۲، مصائب حلاج، ترجمه سید ضیاء‌الدین دهشیری، تهران، بنیاد علوم اسلامی.
- محمدکمال ابراهیم جعفر، ۱۹۷۴، من تراث التستری الصوفی، دارالمعارف مصر

مكتبة الشباب.

— معصوم عليشاه، طرائق الحقائق، تصحيح محمدجعفر محجوب، تهران، صفى عليشاه، [بى تا].

— مناوى، عبدالرؤف، الكواكب الدرّية، تصحيح محمودحسن ربيع، مصر، الازهر، ١٩٣٨م.

— ميبدى، رشيدالدين ابوالفضل، كشف الاسرار و عدّة الابرار، تصحيح على اصغر حكمت، تهران، اميركبير، ١٣٧١ش.

— ميهنى، محمدبن منور، اسرارالتوحيد، تصحيح محمدرضا شفيعى كدكنى، تهران، آگاه، ١٣٦٧ش.

— هجوبرى غزنوى، على بن عثمان، كشف المحجوب، تصحيح ژوكوفسكى، تهران، طهورى، ١٣٧٨ش.

— يافعى، عفيف الدين عبدالله، روض الرياحين فى مناقب الصالحين، نسخة خطى كتابخانه مجلس شماره ١٦٦٠.

— يافعى، عفيف الدين عبدالله، مرآة الجنان و عبرة اليقظان، حيدرآباد، دايرةالمعارف نظاميه، ١٣٢٨ق.

— يافعى، عفيف الدين عبدالله، منتخب روض الرياحين (هامش قصص الانبياء ثعلبى) مصر، ق ١٣.

— Bowering, G., 1980, *The Mystical Vision of Existence in Classical Islam*, Berlin.

— Bowering, G., 1995, "Sahl Al-Tustari," *The Encyclopadia of Islam*, vol. VIII, Leiden, Brill, pp. 840-841.

— Brockelmann, K., 1943, *Geschichte der arabischen Litterature*, Erster Band, Leiden, Brill.

— Goldzeher, I., 1907, "Die dogmatische Partei der Silimijja," *ZDMG* 61, pp. 73-80.

— Massignon, L., "Sahl," *Encyclopadia of Islam* 2, vol. VIII, 1994.

Sahlnameh

(A study of Sahl-e Tustari, his views and students)

By

Sayyed Mohammad Tabatabaei Behbahani

(Mansur)

فرم اشتراک دوفصلنامه آینه میراث

علاقه‌مندان نشریه آینه میراث در داخل کشور می‌توانند با توجه به شرایط زیر و تکمیل فرم، برای اشتراک یکساله مجله اقدام کنند:

- هزینه اشتراک یکساله دوفصلنامه آینه میراث (با احتساب دو شماره) ۲۵۰۰۰۰ (دویست و پنجاه هزار ریال).
- هزینه ارسال بر عهده مرکز است.

- علاقه‌مندی که مایل به دریافت ضمایم نشریه آینه میراث هستند، باید درخواست خود را تلفنی به اطلاع همکاران بخش فروش برسانند. یادآور می‌شود که هزینه ضمایم و پست آن جداگانه محاسبه خواهد شد.

- هزینه اشتراک را می‌توانید به حساب سپهر ۰۳۰۹۶۷۹۰۷۴۰۰۳ بانک صادرات شعبه غرب انقلاب کد ۵۵۷، به نام مرکز نشر میراث مکتوب واریز نمایید.

- لطفاً جدول تکمیل شده اشتراک را به همراه اصل رسید واریز وجه به نشانی زیر ارسال فرمایید:

تهران، خیابان انقلاب، بین ابوریحان و دانشگاه، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم، مرکز پژوهشی

میراث مکتوب، شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ — دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

نشانی پست الکترونیکی: ayenemiras@gmail.com

پایگاه: <http://www.mirasmaktoob.ir>

- در صورت بروز هر گونه مشکل در زمینه اشتراک با واحد فروش (داخلی ۱۰۵ و ۱۱۷) تماس بگیرید.

- رونوشت رسید بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

اشتراک دوفصلنامه آینه میراث

نام خانوادگی	نام
عنوان	نام سازمان
نشانی	
نشانی پستی	
تلفن	دورنگار
اشتراک از شماره	نشانی پست الکترونیکی

In the Name of God

ISSN 1561-9400

Mirror of Heritage (AYENE-YE MIRAS)

Semiannual Journal of Textology
New Series, Vol. 12, Supplement no. 37, 2014.

Book of Sahl

A study of Sahl-e Tustari, his views and students

By: Sayyed Mohammad Tabatabaei Bebahani (Mansur)
Proprietor: The Written Heritage Research Institute
Managing Director: Akbar Irani
Editor-in-Chief: Majdodin Keyvani
Technical Editor: Askar Bahrami
Internal Manager: Hosna Sadat Banitaba

Editorial Board: Mahmoud Abedi (Professor, Kharazmi University), Mohammad Ali Azar-Shab (Tehran University), Habibullah Azimi (Assistant Professor, N. L. A. I.), Asghar Dadbeh (Professor, Allameh Tabatabayi University), Ahad Faramarz Qara-Maleki (Professor, Tehran University), Najaf-Qoli Habibi (Associate Professor, Tehran University), Ali Ravaghi (Professor, Tehran University), Ali Ashraf Sadeghi (Professor, Tehran University), Hamed Sedghi (Professor, Kharazmi University), Mansour Sefatgol (Professor, Tehran University)

Scientific Consultants: Ali Ale Davoud, Parviz Azkaei, Bert Fragner (Austria), Gholamreza Jamshidnezhad Avval, Jan Just Witkam (Netherlands), Paul Luft (England), Arif Naushahi (Pakistan), Ahmad Mahdavi Damghani (U.S.A.), Mahmoud Omidsalar (U.S.A.), Jamil Ragep (Canada), Hashem Rajabzadeh (Japan), Francis Richard (France), Mohammad Roshan, Akbar Soboot

Art Director: Soheila Yosefi
Lithography and Printing: Noghre Abi
Written Heritage Research Centre, 1182 Enqelab Ave. Farvardin Building, 2nd Floor, Tehran, postal code 131569319, Iran.
Tel.: + 98 21 66490612, Fax: + 98 21 66406258
<http://www.mirasmaktoob.ir>
ayenemiras@mirasmaktoob.ir
ayenemiras@gmail.com